

زبان و ادبیات فارسی

۱ (۲)

بررسی معادل‌های معنایی گزینه (۲):

دشمن و بدخواه: عنود (معنی دیگر: ستیزه‌کار)
 خاندان: دوده (معنی دیگر: دودمان، طایفه)
 خدمت: تیمار (معانی دیگر: مواظبت، مراقبت، غم، حمایت و نگاهداشت، توجه)
 خروشیدن: بردمیدن (معنی دیگر: برخاستن)

معانی غیر مرتبط در سایر گزینه‌ها:

(۱) اندیشه، برگردانیدن [۲ مورد]
 (۳) بدبختی، برگردانیدن [۲ مورد]
 (۴) مهیب [۱ مورد]

معانی سایر واژه‌ها در صورت سؤال:

بدسگال: بداندیش، بدخواه / دلّاک: کیسه‌کش حمام، مشّت و مال‌دهنده / خیره: سرگشته، حیران، متحیر، سرگشته، فرومانده، لجوج، بیهوده (ریاضی ۹۹)
 معنی درست واژه: پدرام: آراسته، نیکو، شاد [۱ مورد]

۲ (۴)

معنی درست واژه‌ها در سایر گزینه‌ها:

(۱) بَر: خشکی، بیابان / وِیله: صدا، آواز، ناله / یله: رها، آزاد [۲ مورد]
 (۲) ایدون: این‌چنین، این‌گونه / آشباه: جمع شبه، ماندها، همانندان / وظیفه: مقرّری، وجه معاش [۳ مورد]
 (۳) پایمردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت / ادبار: تیره‌بختی، بدبختی [۲ مورد] (ریاضی ۹۹)
توجه: بهتر بود طراح در استفاده از معنی «استقامت» برای واژه «پایمردی» پرهیز می‌کرد. (در لغت‌نامه‌ها «استقامت» را معادل معنایی «پایمردی» دانسته‌اند.)

۳ (۳)

بررسی موارد نادرست:

(ب) متقاعد: مجاب‌شده، مجاب / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
 (ج) حریف: دوست، همدم، همراه / درهم: دَرَم، مسکوک نقره، که در گذشته به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است. (دینار: واحد پول؛ سکه طلا که در گذشته رواج داشته است.) (ریاضی ۹۹)

۴ (۲)

املاي درست واژه‌ها: مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. (متاع: کالا) / غالب: مسلط، چیره (قالب: شکل، هیئت) (ریاضی ۹۹)

۵ (۱)

املاي درست واژه‌ها: غربت: بیگانگی، دور بودن از وطن (قربت: نزدیکی) / ذلّت: خواری (زلّت: لغزش و گناه) (ریاضی ۹۹)

۶ (۱)

املاي درست واژه: غزا: جنگ کردن (قضا: تقدیر و حکم الهی)

۷ (۳)

الف) تا زَبَر خاکی ای درخت تنومند / مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند: ادیب‌الممالک فراهانی
 (ب) زور داری، چون نداری علم کار / لاف آن نتوان به آسانی زدن: مجد خوافی
توجه: این سؤال فاقد هرگونه اعتبار و ارزش علمی است و پاسخ‌گویی به آن تنها با حفظ کردن تمام نمونه‌های به کار رفته در کتاب درسی، امکان‌پذیر است. (ریاضی ۹۹)

۸ (۴)

[تو] به موج / عقد گوهر به خوشه / دریا به خرمن [۳ مورد]

آرایه تشبیه در سایر گزینه‌ها:

(۱) طبع به بلبل / طبع به طوطی [۲ مورد]
 (۲) قناعت به خاک / تمتّا به آب شور [۲ مورد]
 (۳) خاک [پای کسی (چشمی) که معشوق را دیده] به سنگ سرمه [۱ مورد] (ریاضی ۹۹)

نکته: «سا» در «سرمه‌سا» از مصدر «ساییدن» است و نباید آن را به اشتباه «پسوند شباهت» در نظر گرفت.

۹ (۳)

تشبیه: سرای دیده (اضافه تشبیهی)

استعاره: گوشه استعاره از چشم / جان‌بخشی به «خیال» / جناس: خیل، خیال (ریاضی ۹۹)

۱۰ (۱)

حسن تعلیل: — / واج‌آرایی: تکرار صامت «ز»، «ر» و «ن»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) ایهام: آب: ۱- آب / آبرو / کنایه: از در خویش راندن
 (۳) استعاره: نرگس استعاره از چشم / جان‌بخشی به چشم آهو / تشبیه: خاطر به غبار / چشم یار به چشم آهو
 (۴) تلمیح: اشاره به روایت حضرت یوسف (ع) / ایهام تناسب: سودا: ۱- عشق، خیال (معنی درست) ۲- سیاهی (معنی نادرست، متناسب با شب) (ریاضی ۹۹)

کلمات کلیدی: عُمر نوع من / هذه الأشجار الطويلة العجيبة / قد یصل إلى ...

۳۲ (۴)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

عُمر نوع من: عمر نوعی از (اولاً: «عمر» مضاف، و «نوع» مضاف‌الیه است و باید به‌ترتیب، پشت سر هم ترجمه شوند. ثانیاً «نوع» نکره است و باید به‌شکل نکره ترجمه شود.) [ردگزینه‌های (۱) و (۲)]

هذه الأشجار الطويلة العجيبة: این درختان بلند عجیب (شگفت‌انگیز) («الطويلة» و «العجيبة» صفت برای «الأشجار» هستند، بنابراین باید به‌صورت «ترکیب وصفی» ترجمه شوند نه به‌صورت خبر یا جمله‌ای توصیفی.) [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

قد یصل إلى ...: گاهی به ... می‌رسد («قد» قبل از فعل مضارع، معادل «گاهی» یا «شاید» است.) [ردگزینه‌های (۲) و (۳)]

(ریاضی ۹۹)

۳۳ (۳)

[گزینه] درست را مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «الحیة» اسم کان (لن تكون) است نه مفعول و «تكون» از صیغه «للتغایب» است نه «للمخاطب».

ترجمه درست: زندگی [هرگز] بدون نقص نخواهد بود، ولی همیشه زیباست.

(۲) «الکبری» صفت برای «آیات» است نه «رب»، ضمناً «الکبری» اسم تفضیل است و باید به‌صورت «صفت برتر» ترجمه شود.

ترجمه درست: به جنگلی رفتیم و در آن‌جا نشانه‌های بزرگ‌تر پروردگارمان را دیدیم.

(۴) «العین» مضاف نیست، «مختلف» زائد است و «إلا» ترجمه نشده است. (اسلوب عبارت، اسلوب حصر است.)

ترجمه درست: چشم در دو جهت نمی‌چرخد، مگر در بعضی حیوانات مثل جرباء (آفتاب پرست). (چشم فقط در بعضی حیوانات مثل جرباء در دو جهت می‌چرخد.)

(ریاضی ۹۹)

۳۴ (۴)

[گزینه] نادرست را مشخص کن:

خدای ما کسی است که ← پروردگار ما همان کسی است که («پروردگار» معادل دقیق «رب» است، و «هو» ترجمه نشده است.) / در ... نگهدار ماست ←

از ... از ما نگهداری می‌کند («من» به‌معنای «از» است و «يَحْمِيْنَا» (يَحْمِي + نا)، فعل مضارع به‌همراه مفعول است.)

(ریاضی ۹۹)

۳۵ (۱)

[گزینه] درست را مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها:

یک ساعت تفکر: تفکر ساعة (یک ساعت) نکره (ساعة) است و باید به‌صورت نکره تعریب شود. ضمناً «تفکر» مفرد است و نباید به‌صورت جمع (التفکرات) تعریب شود.) [رد سایر گزینه‌ها]

هفتادسال عبادت: عبادة سبعين سنة (اولاً: «عبادت» مفرد است، پس نباید به‌صورت جمع تعریب شود. ثانیاً: «هفتاد» سبعین از اعداد عقود است و معدود اعداد عقود همواره پس از این اعداد می‌آید و هیچ‌گاه نه «ال» می‌گیرند و نه «مضاف» واقع می‌شوند.) [رد سایر گزینه‌ها]

(ریاضی ۹۹)

■ متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات (۳۶-۴۲) با آن چه مناسب متن است، پاسخ بده:

ترجمه درک مطلب:

يُعدُّ (يعتبر) صيدُ الأسماك (ماهی‌گیری به‌شمار می‌رود) من أكثر المهن التي (از بیشترین شغل‌هایی که) يشتغل بها الإنسان (انسان به آن اشتغال دارد) ليدبر عيشه (تا زندگی خود را اداره کند) خاصةً في المناطق الساحلية أو المناطق المحاطة بالبحيرات والأنهار، (به‌ویژه در مناطق ساحلی یا مناطق احاطه‌شده با دریاچه‌ها و رودخانه‌ها) بحيث (به‌گونه‌ای که) تُشكِّل لحوم الأسماك واحدة من أهم مصادر الغذاء التي (گوشت ماهی [=گوشت‌های ماهیان] یکی از مهم‌ترین منابع غذایی است که) يستفيد منه الإنسان في العالم. (انسان در جهان از آن استفاده می‌کند.) كما كانت الأسماك مصدراً غذائياً مهماً للإنسان في العصور القديمة، (همان‌طور که ماهیان در روزگاران قدیم منبع غذایی مهمی برای انسان بودند) وقد وجدت الكثير من النقوش الحجرية القديمة لعصر الفراعنة التي (و بسیاری از نگاره‌های سنگی باستانی در دوره فراعنه یافت شده است که) تدلُّ على صيدهم الأسماك وطريقة قيامهم به تغذيتهم عليها، (ماهی‌گیری آنان و شیوه انجام آن و تغذیه آنان از ماهیان را نشان می‌دهد،) إضافة إلى هذا (علاوه بر این) لم يجد الإنسان صعوبة في الحصول عليها! (انسان در دستیابی به آن، هیچ‌گونه سختی‌ای نیافت.) تحولت مهنة صيد الأسماك إلى رياضة محبوبة لدى العديد من الناس (شغل ماهی‌گیری نزد بسیاری از مردم به ورزشی دوست‌داشتنی تبدیل شده است) حيث (به‌گونه‌ای که) يبلغ من إمارسونها حوالي ملايين من الناس. (تعداد افرادی که آن را انجام می‌دهند، به‌حدود میلیون‌ها نفر [از مردم] می‌رسد.) فهناك بعض الناس (پس، برخی مردم وجود دارند) حين يذهبون إلى المناطق التي (هنگامی که به مناطقی می‌روند که) توجد فيها هذه الإمكانية (این امکانات در آن‌جا وجود دارد) يشغلون بالصيد لکنه بوسائط بسيطة؛ (به ماهی‌گیری می‌پردازند، ولی با وسایلی ساده؛) و تحولت طرق الصيد على مرّ الزمان (شیوه‌های ماهی‌گیری در گذر زمان متحول شده) و تعددت الطرق المستخدمة في صيد الأسماك! (و راه‌های مورد استفاده در ماهی‌گیری زیاد شده است.)



مفهوم گزینه (۴): درویش‌نوازی موجب عافیت است. / خودستایی و مفاخره بابت کمک به دیگران

۱۷ (۴)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: شورانگیزی عشق / ستایش شور و اشتیاق فراوان خود

(تقریبی ۹۹)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): مناعت طبع و عزت نفس

۱۸ (۳)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش و بدگویی درباره مدعیان شاعری

(۲) ضرورت آینده‌نگری و پرهیز از لذت‌هایی که ناخوشی و رنج دائمی در پی دارند.

(تقریبی ۹۹)

(۴) ارزشمندی خدمت به معشوق / خاکساری عاشقانه

مفهوم گزینه (۲): پندناپذیری عاشق / بی‌توجهی عاشقان به ملامت و ملامتگران

۱۹ (۲)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۱): آخرت‌اندیشی و خودحسابی

۲۰ (۱)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) بهار نشانه و دلیلی بر وجود قیامت است. / (۳) نکوهش حرص و بخل / (۴) اعمال نیک موجب سعادت اخروی است.

(تقریبی ۹۹)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): بازگشت به اصل

۲۱ (۴)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ضرورت آگاهی نسبت به اصل و واقعیت خود

(۲) نکوهش بی‌توجهی به تجلی حق در پدیده‌های جهان

(تقریبی ۹۹)

(۳) اصل همواره در پی فرع است. (مفهوم مقابل بیت سؤال و بیت گزینه (۴))

۲۲ (۲)

مفهوم گزینه (۲): ناکامی و ناتوانی عاشق برای وصل

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: از خودگذشتگی و جان‌فشانی عاشقانه / ترک خود و تعلقات مادی

(تقریبی ۹۹)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): از ماست که بر ماست. / خود اِتهامی

۲۳ (۳)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) گله از جور معشوق / (۲) ناشکیبایی عاشقانه / لبریز شدن کاسه صبر عاشق / (۴) فنا، کلید بقاست.

(تقریبی ۹۹)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): ناپایداری زیبایی‌های مادی

۲۴ (۱)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) اغراق در وصف زیبایی معشوق / (۳) بی‌حاصلی و ناکامی / (۴) زیبایی موجب پیدایش عشق است. / جبر عشق

(تقریبی ۹۹)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): سنجیده‌گویی و کم‌حرفی خردمندان

۲۵ (۲)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عدم وجود مستمع لایق / (۳) تمایل به سخن‌پردازی / (۴) ضرورت سخن‌پردازی

(تقریبی ۹۹)

توجه: در صورت سؤال، طراحان به «مفهوم کنایی» اشاره کرده‌اند که احتمالاً منظورشان محدود بودن امکان سخن گفتن برای سخنور است (تنگ شدن میدان بر سخن: بیت سؤال / به جا لب وا کردن: گزینه (۲))

میدان بر سخن: بیت سؤال / به جا لب وا کردن: گزینه (۲))

زبان عربی

■ مناسب‌ترین پاسخ ترجمه یا مفهوم را از [عربی] یا به عربی مشخص کن (۲۶-۳۵):

کلمات کلیدی: تعالوا / کلمة سواء / بیننا و بینکم / اَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اللّٰه

۲۶ (۱)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

تعالوا: بیایید «تعالوا» فعل امر از صیغه «للمخاطبین»، یعنی «جمع مذکر مخاطب» است. در گزینه‌های (۳) و (۴)، «بشتابید» معادل دقیقی برای این

فعل به‌شمار نمی‌رود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

کلمة سواء: سخنی یکسان، کلمه‌ای یکسان «کلمة سواء» یک ترکیب وصفی و نکره است و «سواء: یکسان» صفت است و نباید به‌صورت فعلی «یکسان /

برابر بوده است» ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

بیننا و بینکم: بین ما و شما، بین ما و خودتان «بینکم» در گزینه (۴) در ترجمه لحاظ نشده است و در گزینه (۳) «بیننا و بینکم» جابه‌جا ترجمه

شده‌اند. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]



برای برخی مردم مطالعه تاریخ بسیار ارزشمند است و برای یک تحصیلات کامل باید ضروری به شمار رود.

۸۰ (۲)

(۱) تأمین کردن، فراهم کردن در نظر گرفتن، به شمار آوردن

(تجربی ۹۹)

(۳) کلاس، جلسه و غیره شرکت کردن (۴) اطلاع دادن، خبر کردن

او تماسی تلفنی از فروشگاه دریافت کرد [که] به او گفت که یک نفر باید خانه باشد تا تحویل بسته‌ای را که سفارش داده بودند بپذیرد.

۸۱ (۱)

(۱) تحویل، رساندن (۲) تخفیف (۳) تقاضا، خواسته (۴) دسترسی؛ راه دسترسی (تجربی ۹۹)

وحشت‌ذهن‌های تمام مسافران سوار بر هواپیمای در حال سقوط را فراگرفت.

۸۲ (۱)

(۱) وحشت، هراس (۲) احساس، عاطفه (۳) اختلال؛ آشفتگی (۴) درد، رنج (تجربی ۹۹)

لیلا احساس نامرئی [بودن] می‌کرد چون هیچ کس به او توجهی نمی‌کرد و جوری رفتار می‌کردند که گویی او آن‌جا نیست.

۸۳ (۳)

(۱) بی‌ادب، پررو (۲) بی‌رحم، ظالم (۳) نامرئی، نادیدنی (۴) تغییرناپذیر (تجربی ۹۹)

از آن‌جا که این شاعر بیش از دو هزار شعر نگاشته است، مدتی از ناشر زمان می‌گیرد تا اشعار را در یک کتاب واحد گرد هم آورد.

۸۴ (۲)

(۱) تعویض کردن، جابه‌جا کردن (۲) تألیف کردن، گرد هم آوردن (۳) سرودن، از بر خواندن (۴) احاطه کردن، در میان گرفتن (تجربی ۹۹)

لغات انگلیسی بسیاری وجود دارند که ریشه آن‌ها می‌تواند تا زبان یونانی پی گرفته شود.

۸۵ (۴)

(۱) مورد، آیت (۲) موضوع، مسئله (۳) احساس، حس (۴) ریشه، مبدأ (تجربی ۹۹)

یک مدخل لغت‌نامه مجموعه‌ای از اطلاعات است که یک لغت یا عبارت را توضیح می‌دهد.

۸۶ (۴)

(۱) مخفف؛ اختصار (۲) خوشنویسی، خطاطی (۳) راهنمایی؛ راهنما (۴) ورودی؛ (لغت‌نامه و غیره) مدخل (تجربی ۹۹)

سیستم کامپیوتری جدید آن قدر پیچیده است که هیچ کس در دفتر کار نمی‌تواند آن را به صورت مناسبی به کار گیرد.

۸۷ (۳)

(۱) جدی؛ خطیر (۲) بامهارت، ماهر (۳) پیچیده، پرپیچ‌وخم (۴) ممتاز، برجسته (تجربی ۹۹)

تجزیه و تحلیل فسیل [ها] نشان می‌دهد که حداقل پنج دوره در ۶۰۰ میلیون سال پیش شاهد کاهشی شدید در تعداد گونه‌های گیاهان و جانوران روی زمین بوده‌اند. با وجود این، در موارد قبلی این تغییرات توسط سیارک‌ها [بی که به زمین برخورد می‌کردند] یا تغییرات چشمگیر اقلیمی ایجاد شده بودند. دانشمندان به طور کلی معتقدند که این کاهشی [در تعداد گونه‌های زیستی] کار انسان است. سلطه یک نوع گونه واحد، [یعنی] انسان، به شدت در حال ضربه زدن به بقیه دنیای [موجودات] زنده است. با یک جمعیت فقط شش میلیاردی، انسان‌ها به سرعت در حال تخریب کردن بوم‌سازگان‌های غیرقابل جایگزین هستند. این ششمین دور از مرگ‌ومیر جهانی گونه‌ها می‌تواند بسیار بزرگ‌تر از پنج تای نخست باشد.

توضیح: یکی از کاربردهای اصلی زمان حال کامل اشاره به عملی است که در زمانی نامعلوم در گذشته رخ داده و تأثیر آن همچنان باقی است. همان طور که

۸۸ (۱)

از مفهوم جمله مشخص است کاهش‌های شدید در جمعیت گونه‌های زیستی پنج بار در گذشته رخ داده‌اند و تأثیر این تغییرات نیز همچنان در نمونه‌های فسیل پیداشده مشهود و باقی است. به همین دلیل در جای خالی به ساختار حال کامل نیاز داریم که در گزینه (۱) به درستی به کار رفته است. (تجربی ۹۹)

(۱) درست کردن؛ تعمیر کردن (۲) سبب ... شدن؛ ایجاد کردن

۸۹ (۲)

(۳) اجتناب کردن، خودداری کردن (۴) به خطر انداختن (تجربی ۹۹)

(۱) عامل، فاکتور (۲) منشأ، مبدأ (۳) توانایی، قابلیت (۴) کاهش، تقلیل (تجربی ۹۹)

اصطلاح: دنیای [موجودات] زنده: the living world (تجربی ۹۹)

۹۰ (۴)

(۱) تولید کردن، به وجود آوردن (۲) ترک کردن، رها کردن

۹۱ (۱)

(۳) تخریب کردن، نابود کردن (۴) گسترش دادن؛ افزایش دادن (تجربی ۹۹)

۹۲ (۳)

در طول تاریخ، تفاوت میان پیر و جوان یک ویژگی تعیین‌کننده واقعیت و نیز ادبیات بوده است. والدین بر فرزندان خود سلطه دارند ... ولی همچنان که آن فرزندان بزرگتر می‌شوند، شروع می‌کنند به فشار آوردن بر سلطه والدینشان. آن‌ها قوانین را به چالش می‌کشند؛ شورش می‌کنند؛ قوانین خودشان را می‌سازند. والدین در مورد این جابجایی در توازن قدرت سردرگم، ناامید و خشمگین می‌شوند. آن‌ها در مقابل می‌جنگند؛ در تلاشی برای حفظ کردن قدرتشان می‌کوشند تا پسران و دختران جوانشان را کنترل کنند. اما در حالی که به سوی سن پیری پیش می‌روند، مجبور می‌شوند که [قدرتشان را] واگذار کنند و دستشان را بالا ببرند، همچنان که دنیا به مکانی تبدیل می‌شود که آن‌ها به سختی می‌توانند [آن را] از جوانیشان بازشناسند.

در حالی که ما به دوره‌ای می‌رسیم که در آن توازن قدرت به قلمرویی جدید کشیده می‌شود، جنگ میان پیر و جوان نیز یک ویژگی قرن بیست‌ویکم شده است. این بدان معنا نیست که انتظار می‌رود روابط میان نسل‌ها بدتر شود؛ در عوض [بدین معناست] که تغییرات جمعیت‌شناختی جدید که در پیش است تأثیرات دنباله‌داری خواهد داشت که نمی‌توانیم هنوز تصور کنیم.



۵۸ (۴)

پیروی از دستورات خداوند، نشانهٔ صداقت در دوستی با اوست و سرپیچی از دستورات خدا، نشانهٔ عدم صداقت در دوستی با خداست. قرآن کریم، یکی از ویژگی‌های مؤمنان را شدت محبت به خدا معرفی می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ و اما صداقت مؤمنان با پیروی از دستورات خداوند که توسط پیامبرش ارسال شده، آشکار می‌شود: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (انسانی ۹۹)

۵۹ (۱)

آن‌کس که هدف حقیقی خود را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، در حقیقت سرمایهٔ وجودی عمر را نابود کرده است و مصداق این زیان در آیهٔ شریفهٔ ﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ معرفی شده است.

۶۰ (۲)

نمونه‌ای از تأثیرناپذیری قرآن کریم از عقاید دوران جاهلیت که از جنبه‌های اعجاز محتوایی آن است، در آیهٔ «و خداوند عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند» اشاره شده است و انبساط جهان در آیهٔ «آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم» به ذکر نکات علمی بی‌سابقه از جنبه‌های اعجاز محتوایی قرآن کریم اشاره می‌کند.

۶۱ (۳)

قرآن کریم همهٔ انسان‌ها را در انسانیت برابر می‌داند و برتری را به تقوا معرفی می‌کند و در بیان قرآن، اگر خداوند انسان‌ها را قبیله قبیله قرار داده است، برای شناخت یکدیگر است. آیهٔ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ که به موضوع اخوت و برادری اسلامی می‌پردازد و به یکی از جنبه‌های اسوه بودن پیامبر(ص) در رهبری اشاره دارد و همچنین سخت‌کوشی و دلسوزی پیامبر(ص) در هدایت مردم تا آنجا بود که آیهٔ ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾: «شاید که جانت را از دست بدهی، از اینکه برخی ایمان نمی‌آورند.» نازل شد.

۶۲ (۳)

جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که در کنار خانهٔ خدا نزد پیامبر(ص) بودیم که علی(ع) وارد شد. پیامبر(ص) فرمود: «برادرم به سویتان آمد»، سپس فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، این مرد و شیعیان و پیروان او در قیامت رستگار و اهل نجات‌اند»، پس از این سخنان، آیهٔ ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ﴾ بر پیامبر(ص) نازل شد که مصداق «خیر البریه»: «بهترین مخلوقات»، پیروان و شیعیان حضرت علی(ع) که برادر پیامبر(ص) بود، می‌باشد.

۶۳ (۴)

در جامعهٔ مهدوی خبری از فقر و بینوایی نیست. حس تعاون و یاری دادن به یکدیگر در همه جا دیده می‌شود و این موضوع، نشانی از عدالت‌گستری در حکومت مهدوی است. از نشانه‌های فراهم شدن زمینهٔ رشد و کمال که مهم‌ترین هدف حکومت مهدوی است، این است که انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب، انسان‌ها به هدفی که خداوند در خلقت برای آن‌ها تعیین کرده، بهتر و آسان‌تر می‌رسند.

۶۴ (۲)

اگر بگوییم: هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، در نتیجه خود آفریننده هم به خالق نیاز دارد. نتیجهٔ چنین سخنی، پذیرش تسلسل علت‌هاست که چون به هیچ علت نخستینی ختم نمی‌شود، هیچ چیزی وجود پیدا نمی‌کند، پس باید بگوییم: «هر پدیده‌ای نیازمند به آفریننده است.»

۶۵ (۳)

طبق آیهٔ ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾: «از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای [تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی می‌کند، پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا روی‌گردان می‌شود. او در دنیا و آخرت، [هر دو]، زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.» ایمان ضعیف و سطحی و سست عنصری برخی افراد موجب می‌شود که فقط هنگام رسیدن منافع مادی به آن‌ها، آرامش داشته باشند و معیار حقانیت دین و عبادت را مسائل مادی می‌پندارند.

۶۶ (۴)

آنان که با اظهار گناه، زشتی آن را نزد خود و دیگران از بین می‌برند و انجام گناه را امری عادی جلوه می‌دهند، موجب گسترش سریع فساد در آن جامعه می‌شوند و خداوند در آیهٔ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ...﴾: «بی‌گمان، کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت در میان مؤمنان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک دارند.» به آن‌ها عذابی دردناک در دنیا و آخرت را وعده داده است.

۶۷ (۲)

شواهد وجود اختیار در انسان عبارتند از: ۱- تفکر و تصمیم ۲- احساس رضایت یا پشیمانی ۳- مسئولیت‌پذیری میوه‌های درخت اخلاص عبارتند از: ۱- دستیابی به درجاتی از حکمت ۲- نفوذناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان ۳- دریافت پاداش‌های وصف‌نشده‌ای آیهٔ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ به سنت امداد خاص یا توفیق الهی اشاره دارد که روحیهٔ حق‌پذیری در کسب آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

۶۸ (۱)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها:

۲ و ۳) بیانگر سنت امداد عام الهی است، نه امداد خاص.

۴) بیانگر سنت سبقت رحمت بر غضب الهی است.

۶۹ (۳)

اگر انسان در نمازش صادقانه از خداوند ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را بخواهد، از راه‌های انحرافی و گمراهی رها می‌شود، گمراهی و ضلالت در انتهای آیهٔ ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ ذکر گردیده است.

۷۰ (۱)

یکی از ویژگی‌های فطری مشترک در انسان‌ها، این است که هر انسانی به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدود است. یکی از دستورات برنامهٔ دین واحد اسلام در عرصهٔ ایمان (نه عمل)، ایمان آوردن به فرستادگان الهی و راهنمایان دین است. طبق حدیث پیامبران(ص): «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»: «اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است»، یکی از قوانین تنظیم‌کنندهٔ اسلام که موجب پویایی و روزآمد بودن دین اسلام و در نتیجه ختم نبوت می‌شود، قاعدهٔ لا ضرر است.

(انسانی ۹۹)



۷۶ (۲)

متأسفم، تکلیف انگلیسی را تمام نکرده‌ام؛ مقداری زمان بیشتر به من می‌دهید؟

برای اشاره به عملی که در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده (یا انجام نشده) و تأثیر آن همچنان باقی است، از ساختار گذشته کامل (have / has + p.p.) استفاده می‌کنیم. در این جا نیز تمام کردن تکلیف انگلیسی عملی است که در گذشته انجام نشده و همچنان ناتمام باقی مانده است. (هنر ۹۹)

۷۷ (۳)

وقتی یک دانش آموز در کلاس به معلم گوش نمی‌دهد و با دیگران صحبت می‌کند، خود و دیگران را از یادگرفتن باز می‌دارد.

با توجه به ادامه جمله پس از جای خالی، دیگران در جمله ذکر شده‌اند بنابراین نیازی به ذکر مجدد آن‌ها نیست [حذف گزینه‌های (۲) و (۴)] و اشاره جای خالی به دانش آموزی است که به معلم گوش نمی‌دهد. از آن جا که این دانش آموز، فاعلی "prevents" نیز هست، از ضمیر انعکاسی برای اشاره به او استفاده می‌شود. دقت داشته باشید که از "it" نمی‌توان برای اشاره به انسان استفاده کرد [حذف گزینه (۱)]. (هنر ۹۹)

۷۸ (۱)

برای من، انجام دادن این شغل به اندازه همان [شغلی] که قبلاً داشتم سخت است.

برای اشاره به برابری دو چیز در یک صفت یا قید حالت از ساختار as + ... + as استفاده می‌کنیم. در این جا نیز مقایسه بین شغل قبلی و شغل جدید صورت گرفته به طوری که هر دو به یک میزان سخت هستند، بنابراین در جای خالی برای تکمیل این ساختار به "as" نیاز داریم. (هنر ۹۹)

۷۹ (۴)

کتابدار به دو تا از دانش آموزان که داشتند صحبت می‌کردند گفت که ساکت باشند تا بگذارند دیگران بتوانند بر روی درس‌هایشان تمرکز کنند.

با توجه به مفهوم جمله و با نگاهی به گزینه‌ها، مشخص است که جای خالی را نمی‌توان با یک ضمیر فاعلی شروع کرد [حذف گزینه (۲)] چرا که فاعل جمله (librarian) قبل از جای خالی آمده است. از طرفی ساختار مناسب برای فعل "tell" (گفتن؛ خواستن) به صورت "tell somebody to do something" است [حذف گزینه (۳)]. در گزینه (۴) ابتدا با یک ضمیر موصولی مناسب (در اینجا who)، "students" توصیف شده و سپس خواسته کتابدار (to keep quiet) مطرح شده است. (هنر ۹۹)

۸۰ (۳)

کارگران نوبت شب وقتی که برق رفت مجبور شدند کارکردن را متوقف کنند؛ در واقع، همه‌جا تاریک بود.

(۱) قاعده؛ قانون (۲) سوخت (۳) قدرت، توان؛ برق (۴) زغال سنگ (هنر ۹۹)

۸۱ (۲)

پس از گذراندن سه ساعت در اتاق انتظار پزشک، آن زن همچنان با حوصله منتظر نوبتش ماند.

(۱) خوشبختانه (۲) صبورانه، با حوصله (۳) مکرراً، پیاپی، بارها (۴) کاملاً؛ قطعاً؛ مسلماً (هنر ۹۹)

۸۲ (۳)

آن کارگردان هرگز از بیش از ۱۰ نفر نمی‌خواهد که در پروژه‌هایش با او کار کنند و او بهترین ۱۰ نفر را می‌خواهد. او همیشه می‌گوید: «وقتی افراد بسیاری باشند، هیچ‌کس کار را جدی نمی‌گیرد.»

(۱) گرفتن؛ شدن (۲) آوردن (۳) گرفتن؛ بردن (۴) دادن (به)؛ اعطا کردن (به) (هنر ۹۹)

توضیح: چیزی را جدی گرفتن: take something seriously

۸۳ (۴)

هر دو جناح به دنبال راه‌حلی برای مشکل هستند و امیدوارند تا مسائل را در طول این نشست حل‌وفصل کنند.

(۱) مقایسه کردن (۲) مرتب کردن، چیدن؛ تنظیم کردن (۳) پیوستن (به) (۴) به دنبال ... بودن (هنر ۹۹)

۸۴ (۲)

ما [به گونه‌ای] تربیت شده بودیم که فکر کنیم که قرض کردن پول بد است.

(۱) دریافتن ... ، پی بردن به ... (۲) بزرگ کردن؛ تربیت کردن (۳) (در کتاب لغت و غیره) دنبال ... گشتن، پیدا کردن (۴) تفاهم داشتن؛ (در تعامل با دیگران) تا کردن، ساختن (هنر ۹۹)

۸۵ (۳)

خبرنگاران گاهی قول می‌دهند که هویت‌های منابع [خبری] خود را مخفی نگه دارند.

(۱) اصول اخلاقی، اخلاقیات (۲) راهنمایی، رهنمود (۳) هویت (۴) مقصد؛ غایت (هنر ۹۹)

۸۶ (۴)

این پیراهن منحصر به فرد نیست چون سازنده میلیون‌ها پیراهن درست شبیه آن را تولید کرده است.

(۱) جدی؛ خطر (۲) سنتی؛ قدیمی (۳) تزئینی، دکوری (۴) منحصر به فرد، یگانه (هنر ۹۹)

۸۷ (۱)

او به دانش آموزان می‌آموزد که برای ملت‌های مختلف احترام قائل باشند و گوناگونی فرهنگ‌های دیگر را ارج بنهند.

(۱) احترام، حرمت (۲) خوشی، شادی؛ لذت (۳) میراث، ارث (۴) احتمال (هنر ۹۹)

کلمات کلیدی: في الماضي / وقع / فيه / حتى لا يُضَيِّع مستقبلُك

۲۷ (۱)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

في الماضي: در گذشته («الماضي: گذشته» مفرد است نه جمع). [رد گزینه (۲)]
 وقع: رخ داده است، روی داد («وقع» یک فعل ماضی است که می‌تواند به‌صورت «ماضی ساده»، یا «ماضی نقلی» ترجمه شود، در گزینه (۲)، «رخ داده بود» ماضی بعید، و در گزینه (۴)، «واقع می‌شود» مضارع از موارد نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
 فيه: در آن (ضمیر «ه» در «فيه»، مرجع «الماضي» است که مفرد است و نباید به‌صورت جمع «آن‌ها» ترجمه شود. ضمناً «ما» اسم موصول عام یا مشترک است و به‌صورت مفرد یا جمع قابلیت ترجمه شدن دارد. [رد گزینه (۲)]

حتى لا يُضَيِّع مستقبلُك: تا آینده‌ات تباه نشود، تا آینده تو ضایع نگردد. (اولاً: فعل «حتى لا يُضَيِّع ...» مجهول و نایب فاعلش «مستقبل» است، ثانیاً: این فعل، مضارع و از صیغه «لغائب» (مفرد مذکر غایب) است، پس نباید به‌صورت مخاطب (دوم شخص) ترجمه شود، ثالثاً: ترکیب «حتى لا + فعل مضارع»، معادل «مضارع التزامی منفی» در فارسی است، پس نباید به‌صورت مصدر (تباه نساختن) ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)] (زبان ۹۹)

کلمات کلیدی: هناك لا إنسان / بدون خطأ / يفشل / يَعد نفسه عالماً / يعرف كل شيء

۲۸ (۳)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

هناك لا إنسان: هیچ انسانی وجود ندارد، هیچ انسانی نیست (اولاً: «هناك» در آغاز جملات، معمولاً به‌معنای «وجود دارد، هست» می‌باشد، ولی در ساختار منفی - مانند لای نفی جنس - به‌صورت «وجود ندارد» ترجمه می‌شود. ثانیاً: «لا»، لای نفی جنس است و به‌صورت «هیچ ... نیست»، «هیچ ... وجود ندارد» ترجمه می‌شود، ضمناً اسم پس از لای نفی جنس معمولاً به‌صورت «نکره» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
 بدون خطأ: بدون خطا، بدون اشتباه (در گزینه (۱) به‌صورت فعل ترجمه شده است که نادرست است). [رد گزینه (۱)]
 يفشل: شکست می‌خورد، می‌بازد («يفشل» فعل مضارع است و به‌صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود. در گزینه (۱)، «شکست خواهد خورد»، نادرست است). [رد گزینه (۱)]

يَعد نفسه عالماً: خودش را عالمی به‌شمار آورد / به‌حساب آورد (اولاً: «عالماً» نکره است و مضاف نیست؛ در گزینه (۱) معرفه و مضاف ترجمه شده است. ثانیاً: «يَعد» به‌معنای «به‌شمار آورد، به‌حساب آورد» است و «فرض کند» در گزینه (۲)، معادل دقیقی برای این فعل به‌شمار نمی‌رود. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
 يعرف كل شيء: همه چیز را می‌داند، هر چیزی را می‌داند. (اولاً: «يعرف» فعل مضارع است و نباید به‌صورت ماضی ترجمه شود؛ در گزینه (۲)، «می‌دانسته است» نادرست است و در گزینه (۴)، «بر ... آگاه است» نیز معادل درستی برای این فعل نمی‌باشد و در گزینه (۱) اصلاً ترجمه نشده است. ثانیاً: «كل + اسم مفرد و نکره» به‌صورت «هر + اسم مفرد + ی» ترجمه می‌شود، ولی استثنائاً به‌صورت «همه + اسم مفرد» نیز قابل ترجمه شدن می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها] (زبان ۹۹)

کلمات کلیدی: كان يُمضي / أوقاته / ولا يبتعد / لحظة / الظروف القاسية

۲۹ (۲)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

كان يُمضي: می‌گذراند (اولاً: ترکیب «كان + فعل مضارع» معادل «ماضی استمراری» فارسی است؛ در گزینه (۴) به‌صورت «مضارع اخباری» (می‌گذراند) ترجمه شده که نادرست است. ثانیاً: فعل «يُمضي» یک فعل متعدی است - از باب «إفعال» - و نباید به‌صورت «لازم» (می‌گذشت) ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 أوقاته: اوقات خود را، اوقاتش را (اولاً: «أوقات» در «أوقاته»، جمع مکسر «وقت» است، پس باید به‌صورت جمع ترجمه شود؛ در گزینه‌های (۱) و (۳) به‌ترتیب، «تمام وقت» و «وقت آن» نادرست هستند. ثانیاً: «أوقات» نقش مفعول دارد و باید به‌صورت مفعولی، ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
 ولا يبتعد: و دور نمی‌شد (اولاً: «و» حرف عطف (= حرف ربط فارسی) است نه «واو حالیه»؛ پس در گزینه‌های (۳) و (۴) که این واو به‌صورت واو حالیه (= درحالی‌که) ترجمه شده است، نادرست است، ثانیاً: فعل «لا يبتعد» هر چند مضارع است، ولی به‌دلیل ارتباط زمانی با فعل قبل از خود - به‌خاطر وجود واو عطف در این عبارت - فعل «كان» بر این فعل نیز اثر گذاشته و درنتیجه به‌صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
 لحظة: لحظه‌ای، یک لحظه («لحظة» نکره است و باید به‌صورت نکره ترجمه شود؛ در گزینه (۴)، «حتى» زائد است و معادلی در عبارت عربی ندارد. [رد گزینه (۴)]
 الظروف القاسية: شرایط سخت («الظروف القاسية» یک ترکیب وصفی است و ضمیری به اسم اول (موصوف) متصل نشده است؛ در گزینه (۴)، «ش» در سختش، معادلی در عبارت عربی ندارد. [رد گزینه (۴)]

کلمات کلیدی: كاد المعلم يبدأ ... / تدریسه / أحد الطلاب / و هو حَجَل

۳۰ (۴)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

كاد المعلم يبدأ ...: معلم ... داشت شروع می‌کرد، نزدیک بود معلم ... آغاز کند (نماید). («كاد» فعلی است که مانند افعال ناقصه عمل می‌کند و ... این فعل در ترجمه معمولاً با الفاظی مانند «نزدیک بود ...»، «داشت ...» ترجمه می‌شود. در گزینه (۱)، «كاد» به اشتباه «كان» فرض شده و خود «كاد» ترجمه نشده است. [رد گزینه (۱)]

تدریسه: تدریسش، تدریس خود [را] («تدریس»، مصدر فعل «دَرَسَ: درس داد، تدریس کرد» از باب «إفعال» است و نباید به‌صورت «درس» ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]



۳) واژگان زبون و بی سکون از نظر نوع واژگانی صفت‌اند و در جمله نقش قیدی پذیرفته‌اند. (برای فعل «افتادن»)

(فارح عمومی ۹۹)

۴) [تو] [دلم] [را] [شاد] [کنی] (= گردانی)
نَواَر مفعول دَلَم مسنَر فعل

۱۷ (۳)

مفهوم گزینه (۳): عاشق توانایی رها شدن از اسارت عشق را ندارد. / تسلیم عاشقانه

(فارح عمومی ۹۹)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: لذت اسارت در عشق / اسیر عشق در پی رهایی نیست.

۱۸ (۱)

مفهوم گزینه (۱): هر کسی محرم اسرار عشق نیست. / تقابل عشق و پارسایی

(فارح عمومی ۹۹)

۱۹ (۲)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): دعوت به تلاش برای کسب روزی و نکوهش تنبلی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) دعوت به وارستگی و ترک تعلقات

۳) در راه عشق هیچ رنج و تلاشی بی‌مزد و ثمر نمی‌ماند.

(فارح عمومی ۹۹)

۴) تغییرناپذیری تقدیر / جبرگرایی

۲۰ (۴)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): تحمل سختی‌ها، کلید کمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) پشیمانی از عشق ورزیدن به معشوق

۲) نکوهش طمع / ناکامی طمع را از بین نمی‌برد.

(فارح عمومی ۹۹)

۳) هر کسی ارزش عشق را درک نمی‌کند.

۲۱ (۱)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): ضرورت خودشناسی / غفلت از حقیقت در عین آشکار بودن آن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲) نکوهش اهمیت ندادن به اصحاب فضل و هنر / شکایت از مردم روزگار بابت بی‌توجهی به هنر و هنرمندان

۳) عاقبت در عزلت و تنهایی است / گله از دشمنی روزگار با انسان‌ها / در جهان هیچ لذت و آرامشی وجود ندارد.

(فارح عمومی ۹۹)

۴) نکوهش تکبر و خودبینی و فراگیر شدن آن

۲۲ (۳)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): خوداتکایی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) مناعت‌طبع در عین نیازمندی

۲) قدرت در ثروت است. / ستایش ثروت

(فارح عمومی ۹۹)

۴) حکمت خالق در به بلا دچار شدن مخلوق / بی‌نیازی موجب غرور است.

توجه: طراح در گزینه (۱) استنباط درستی از مفهوم این بیت حکیم شروان نداشته و باید نمونه دیگری را در نظر می‌گرفت. در ضمن در بیت تغییرات

بی‌وجهی انجام شده که احتمالاً ریشه در درک نادرست طراح دارد. (نبینی از پی کار نیاز پیکارم)

۲۳ (۳)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): تقدیرگرایی و اعتقاد به جبر سرنوشت

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) اغراق در بیان غم و اندوه خویش

۲) ناکامی (قرار دادن حرکت «ء» بر روی واژه «گل» بی‌شک‌گویای میزان ناآگاهی طراحان نسبت به مضامین سبک هندی است.)

(فارح عمومی ۹۹)

۴) بی‌اعتباری و بی‌ارزشی دنیا و لذات آن

۲۴ (۴)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): خاموشی و تسلیم عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) مذهب عاشقی / بی‌توجهی به مادیات، کلید رسیدن به معنویات است. / بی‌خبری عاشقانه

(فارح عمومی ۹۹)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): خیال وصل و جذبۀ معشوق تحمل رنج راه عشق را آسان می‌کند. / بی‌توجهی عاشق به سختی‌های راه عشق

۲۵ (۲)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(فارح عمومی ۹۹)

۱) فراگیر شدن نشاط در اثر فرا رسیدن عید / گله از بی‌توجهی خلق نسبت به شعر و سخنان عاشقانه / لذت رهایی از مادیات





ایهام: — / حس آمیزی: — (۱) ۱۰

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) استعاره: جان‌بخشی به دل و خُم: دل خامش / دل گویا / جگر خُم / تناقض: این که دل خامش از مَهر خموشی، گویا شود.

(۳) تشبیه: مَهر خموشی // مراعات نظیر: دل، جگر، سر / می، خُم

(۴) مجاز: دل مجاز از وجود / جگر مجاز از اندرون / سر مجاز از درپوش و قسمت فوقانی خُم

اسلوب معادله: مَهر خموشی / دل خامش / گویا شدن = سر بسته / جگر خُم / می در آن جوشیدن

(الف) استعاره: جان‌بخشی به دل، تشخیص و استعاره است. (۲) ۱۱

(د) تشبیه: من به گوی

(ب) پارادوکس: گرفتاری در عین آزادگی

(ج) حسن تعلیل: علت پراکندگی، شوریدگی و سرگردانی زلف، آگاهی آن از دل عاشق دانسته شده.

(در مصراع دوم، بعد از واژه «به» حذف فعل وجود ندارد. شکل مرتبِ مصراع: «تا به از سعدی شیرازی سخن نگوید» (۳) ۱۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) حذف فعل به قرینه لفظی در پایان مصراع دوم: جان فدا [است].

(۲) حذف فعل به قرینه معنوی در مصراع دوم: چه ارمغانی از این به [است] که ...

(۴) حذف فعل به قرینه معنوی در مصراع دوم: آن که تو هر دو جهانش باشی نیک‌بخت [است].

فعل «ساختن» در گزینه (۱) به معنی «پدید آوردن» و در سایر گزینه‌ها فعل اسنادی‌ست، به معنی «نمودن» و «گرداندن». (۱) ۱۳

برای تعیین نقش واژه‌ها لازم است ارکان جمله‌ها را مرتب کنیم: (۳) ۱۴

[او]، ننموده رخ زیبا، راز همه [را] افشا کرد / هم ش [او] [را] پرده‌در بنگر، هم ش [او] [را] پرده‌نشین بین / همه: مضاف‌الیه / افشا: به تصوّر طراح سؤال،

مسند! / ش: مفعول / پرده‌نشین: مسند

خطای علمی سؤال: با توجّه به این که تنها در گزینه (۳) واژه اوّل، مضاف‌الیه و واژه چهارم، مسند اعلام شده، ناچار این گزینه را باید پاسخ در نظر گرفت،

اما در واقع سؤال، پاسخ درستی ندارد. روشن است که «افشا» بخشی‌ست از فعل مرکب «افشا کرد» که طراح سؤال بدون آگاهی از ساختار فعل مرکب و

فعل‌های اسنادی چهارجزی آن را به غلط «مسند» تصوّر کرده است!

پای یار سرکش خورشیدچهره: سرکش (صفت مضاف‌الیه) / خورشیدچهره (صفت مضاف‌الیه) (۱) ۱۵

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) قامت آن سرو سیم‌تن: آن (صفت مضاف‌الیه) / سیم‌تن (صفت مضاف‌الیه) // خاک پای صنوبر: صنوبر (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

(۳) دیده اخترشمار من: من (مضاف‌الیه) // عشق نرگس پرخواب او: پرخواب (صفت مضاف‌الیه) / او (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

(۴) مرید جذبه بی‌اختیار منصور: بی‌اختیار (صفت مضاف‌الیه) / منصور (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) // سرّ عشق تو (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

معانی مختلف «ان» در واژه‌های گزینه (۴): نیاکان (نشانه جمع) / خرامان (نشانه صفت فاعلی) / بابکان (نشانه نسبت) / نوبهاران (نشانه زمان) (۴) ۱۶

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) روندگان (نشانه جمع) / سخن‌سرایان (نشانه جمع) / گیلان (نشانه مکان) / خزان (به معنی «خزنده»، نشانه صفت فاعلی؛ به معنی «پاییز» وند جداگانه به شمار نمی‌آید).

(۲) مردان (نشانه جمع) / کیان (به معنی پادشاهان و به معنی چه کسانی، نشانه جمع؛ به معنی سرشت و شالوده و نام پسر، وند جداگانه به شمار نمی‌آید.) / سپندان (به معنی دانه اسفند یا خردل، وند جداگانه به شمار نمی‌آید.) / سپیده‌دمان (نشانه زمان)

(۳) سخن‌گویان (نشانه جمع) / گرگان (به معنی گرگ‌ها، نشانه جمع؛ به معنی نام شهر، وند جداگانه به شمار نمی‌آید) / کوهان (نشانه شباهت) / بامدادان (نشانه زمان)

خطای علمی سؤال: انتخاب واژه‌های ناآشنایی مانند «کیان» و به ویژه «سپندان» از سر بی‌سلیقه‌گی طراح و ناآشنایی با اصول طراحی پرسش‌هایی‌ست که تأثیر «وند» در شکل‌گیری معنی واژه را مورد توجّه قرار می‌دهند.

مفهوم مشترک بیت‌های گزینه (۳): هرکس نتیجه عمل خود را می‌بیند. (۳) ۱۷

بررسی سایر بیت‌ها:

(الف) تفاوت باطن و استعداد پدیده‌ها با وجود شباهت ظاهری / نکوهش قیاس نابجا

(د) توصیه به سپردن امور به افراد معتبر و برخوردار





مفهوم گزینه (۴): عدالت موجب حفظ شخص عادل است.

۱۸ (۴)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیه به عدل و دادگری

(ریاضی ۹۸)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): نکوهش عافیت‌طلبی و توصیه به تحمل دشواری‌های راه عشق / دشواری عشق‌ورزی

۱۹ (۱)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ و ۳: رهایی ناپذیری از عشق / غفلت از سستی اساسی یک پدیده و پرداختن به ظواهر و حواشی آن

(ریاضی ۹۸)

مفهوم گزینه (۲): وحدت وجود

۲۰ (۲)

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تقابل عشق و عقل، و غلبه عشق

(ریاضی ۹۸)

مفاهیم ابیات مورد سؤال:

۲۱ (۳)

ج) ستایش زیبایی معشوق به تعبیری توصیف وصال و توصیه به غنیمت شمردن فرصت بهره‌مندی از یار / به تصور و بیان طراح: غبطه خوردن بر عاشق

ب) سازگاری درد عشق با عاشق / به تصور و بیان طراح: پذیرفتن سختی عشق

د) تقابل عشق با همه دردها و گرفتاری‌ها / به تصور و بیان طراح: فراغت به واسطه عشق

(ریاضی ۹۸)

الف) عشق موجب بی‌پروایی‌ست. / به تصور و بیان طراح: توکل

دقت کنیم! نام‌گذاری طراح بر مفاهیم، معمولاً کلی، مبهم و کاملاً خالی از درک ظرافت‌های شعر است. در پاسخ‌گویی به این تیپ سؤال، حتماً این نکته

را مورد توجه قرار بدهید و گزینه درست را تنها در مقایسه با سایر گزینه‌ها انتخاب کنید.

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ناپایداری دنیا

۲۲ (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) جاودانگی عشق در وجود عاشق / ۲) ستایش زیبایی معشوق و بی‌همتایی او / ۳) بی‌همتایی معشوق

(ریاضی ۹۸)

مفهوم گزینه (۲): رهایی ناپذیری از عشق / بی‌ارزش بودن زندگی بدون عشق

۲۳ (۲)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: پاک‌بازی و جان‌فشانی عاشق

(ریاضی ۹۸)

در گزینه (۴) از میان زمینه‌های چهارگانه حماسه، زمینه «ملی» به چشم می‌خورد و زمینه «داستانی» آن هم، روایت را به پیش می‌برد.

۲۴ (۴)

ویژگی مشترک حماسه در سایر گزینه‌ها «خرق عادت» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) رویین تنی اسفندیار / ۲) بی‌هماور بودن در سن کودکی / ۳) عمر هزارساله ضحاک

(ریاضی ۹۸)

مفهوم گزینه (۲): ترک تعلقات / نفی وجود مادی، زمینه‌ساز درک حقایق جهان هستی است.

۲۵ (۲)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ترک آسایش، تعلّق و وجود مادی

خطای علمی سؤال: روشن است که گزینه (۲) هم کاملاً مفهوم مورد سؤال، یعنی «عدم تعلّق و وابستگی» را در خود دارد. موضوع این است که طراح سؤال،

متوجه مفهوم بیت نشده و تصور کرده مخاطب دعوت شده به این که تن، جان، گوهر، کان، ایمان و همه این‌ها را «بنگرد»؛ در حالی که مفهوم دقیقاً عکس این

است و منظور این است که تن و گوهر، نسبت به جان و کان بی‌ارزش‌اند، ظاهرند، تعلّق و وابستگی‌اند و باید کنار گذاشته شوند تا به حقیقت برسند. (ریاضی ۹۸)

زبان عربی

■ مناسب‌ترین پاسخ ترجمه یا مفهوم را از [عربی] یا به عربی مشخص کن (۲۶-۳۵):

کلمات کلیدی: اِنَّمَا / رسوله / الَّذِینَ / آمَنُوا

۲۶ (۱)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

اِنَّمَا: فقط، تنها [رد سایر گزینه‌ها]

رسوله: پیامبرش [رد گزینه (۳)]

الَّذِینَ: کسانی که [رد سایر گزینه‌ها]

آمَنُوا: ایمان آوردند، ایمان آورده‌اند [رد سایر گزینه‌ها]

(ریاضی ۹۸)

کلمات کلیدی: یَتَرَاکُم / بخار الماء / فی السماء / یتَشَكَّلُ / الغیم / یُعَدُّ / منشأ المطر

۲۷ (۱)

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

یَتَرَاکُم: متراکم می‌شود [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

بخار الماء: بخار آب [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

فی السماء: در آسمان [رد گزینه (۲)]

یتَشَكَّلُ: تشکیل می‌گردد [رد سایر گزینه‌ها]

الغیم: ابر [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

یُعَدُّ: به شمار می‌آید [رد سایر گزینه‌ها]

منشأ المطر: منشأ باران [رد گزینه (۳)]

(ریاضی ۹۸)



بررسی سایر گزینه‌ها:

۴۲ (۳)

(۱) (فعله: تَمَر) ← (فعله: أَثْمَرَ / ۲) صفة للموصوف «النخل» ← صفة للموصوف «أشجار» / ۴) معرفة (علم) ← نكرة

(تجربی ۹۸)

■ [گزینه] مناسب را برای پاسخ به سؤالات زیر مشخص کن (۴۳-۵۰):

۴۳ (۱)

[گزینه] نادرست را در حرکت‌گذاری حروف مشخص کن:

تَجْتَهَدُ ← تَجْتَهِدُ (مضارع باب افتعال بر وزن «يَفْتَعِلُ» است).
إِجْتِهَادًا ← إِجْتِهَادًا (مصدر باب افتعال بر وزن «افْتِعال» است).

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند.
(۲) دانشمندان تلاش کردند راز آن پدیده عجیب را بشناسند.
(۳) زیرا کتاب‌ها تجربه‌های امت‌ها با گذشت هزاران سال است.
(۴) درختی که کشاورزان آن را مانند پرچینی اطراف مزارع به‌کار می‌گیرند.

۴۴ (۳)

«قیمت‌های کالاها بالا رفت (افزایش یافت) و مردم از حکومت (دولت) خواستند که آن‌ها را کاهش دهد.» [گزینه] مناسب را برای جاهای خالی مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) یزداد ← تزداد (زیرا مبتدا (قیمه) مؤنث است).
(۲) کثرت ← کثر / تَمَرَّه ← تَمَرَّه (زیرا مبتدا (ثمن) مذکر است).
(۴) یرتفع ← ترتفع: زیرا مبتدا (نقود) جمع غیرعاقل است و فعلش باید مفرد مؤنث باشد.

(تجربی ۹۸)

۴۵ (۲)

آنچه را که در آن متضاد نیست، مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها:

(۱) هر روزی یک شب و روز را دربرمی‌گیرد. («لیل» و «نهار» متضاد هستند).
(۲) خورشید و ماه دو کره از کره‌های آسمانی هستند. («الشمس» و «القمر» متضاد نیستند).
(۳) بلند شدن و نشستن از اعمال نماز است. («القیام» و «القعود» متضاد هستند).
(۴) همانا خداوند مؤمنان را از تاریکی‌ها به‌سوی روشنایی می‌برد. («الظلمات» و «التور» متضاد هستند).

(تجربی ۹۸)

۴۶ (۴)

آنچه را که در آن جمع مؤنث سالم نیست، مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها:

(۱) «اللّطّماء» جمع «اللّطّمة»: جمعٌ سالم للمؤنث
ترجمه: دشمن را با شدیدترین ضربات ضربه زدیم (سیلی زدیم).
(۲) «الجّوّالات» جمع «الجّوّال»: جمعٌ سالم للمؤنث
ترجمه: تلفن همراهی دارم که از دقیق‌ترین تلفن‌های همراه جدید است.
(۳) «کرامات» جمع «کرامة»: جمعٌ سالم للمؤنث
ترجمه: بعضی از اولیای خداوند کرامت‌های بسیاری دارند.
(۴) «الأصوات» جمع «الصوت»: جمع مکسّر (زیرا «ت» جزء مفرد کلمه است).
ترجمه: صدای تلاوت قرآن از زیباترین صداها برای ماست.

(تجربی ۹۸)

۴۷ (۱)

آنچه را که در آن طلب انجام کار است، مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها:

(۱) باید به مدرسه بروند. (لیذهبوا: لِ جازمه / در این گزینه انجام کاری خواسته شده است و پاسخ می‌باشد).
(۲) برخاستند تا به مدرسه بروند. (لیذهبوا: لِ ناصبه به‌معنی «تا این‌که»)
(۳) برای آن‌هاست (آن‌ها می‌توانند) یا از مدرسه بروند و یا در آن بمانند. (لَهم: لِ حرف جر / اِلی: در سؤال نادرست و «مِن» درست است).
(۴) آن‌ها قبل از، از دست‌رفتن فرصت، برای رفتن به مدرسه جمع شدند. (لِلّذهاب: لِ حرف جر)

(تجربی ۹۸)

۴۸ (۲)

آنچه را که در آن اسلوب شرط نیست، مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها:

(۱) مَن: ادات شرط / یُحسن: فعل شرط / ف: فاء جواب شرط / اللّهُ یَجْزیه علی إحسانه: جواب شرط
ترجمه: هرکس به مردم نیکی کند، خداوند به‌خاطر نیکی‌اش به او پاداش می‌دهد.
(۲) مَن: ادات شرط نیست و همچنین اگر «لینظرُ» جواب شرط بود (بر سرش «ف» می‌آمد).
ترجمه: کسی‌که با مردم به بدی رفتار کند، باید به عاقبت کارش نگاه کند.

۶۱ (۱)

هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می‌شد، برای اینکه مردم دریابند که وی با خداوند ارتباط دارد و از طرف او مأمور به پیامبری شده است، کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌داد که هیچ کس بدون تأیید و اذن خداوند قادر به انجام آن‌ها نبود. قرآن کریم این کارهای خارق‌العاده را «آیت»؛ یعنی نشانه و علامت نبوت می‌خواند و اندیشمندان اسلامی آن را معجزه می‌نامند. [رد گزینیه‌های (۲) و (۴)]

قرآن کریم در مورد معجزات حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: ﴿أَتَىٰ قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾: «من با نشانه‌ای از پروردگارتان نزد شما آمده‌ام. برایتان از گل چیزی چون پرند می‌سازم و در آن می‌دمم، به اذن خدا پرنده‌ای شود.» (انسانی ۹۸)

۶۲ (۲)

اگر قرار باشد همه فقط خواسته‌ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال کنند و تنها منافع خود را محور فعالیت اجتماعی قرار دهند (دور شدن مردم یک جامعه از توحید)، در چنین جامعه‌ای سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست. اینکه افراد بر جامعه خود تأثیر گذارند و جامعه نیز بر افراد تأثیر متقابل دارد، به رابطهٔ دوسویه (متقابل) میان توحید فردی و اجتماعی اشاره می‌کند. (انسانی ۹۸)

۶۳ (۴)

طبق سؤال اندیشه و تحقیق، دو عامل، زمینه‌ساز جعل و تحریف احادیث پیامبر اکرم (ص) گردید:

۱- منع از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) ۲- نیاز حاکمان جور و ستم به توجیه رفتارهای نامناسب خود و جهت‌دهی به افکار مردم مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان.

روزی حضرت علی (ع) خبردار شد فرماندارش در بصره در یک مهمانی شرکت کرده است که فقیران حضور نداشتند و غذاهای رنگارنگ چیده بودند. نامه‌ای تند به او نوشت و به کار وی اعتراض کرد و شیوهٔ صحیح زندگی حاکم را توضیح داد. به او نوشت: «... من که امام شما هستم، از این جهان به دو جامهٔ کهنه، بسنده کرده و از خوراکی‌ها به دو قرص نان. بدانید که شما نمی‌توانید این‌گونه زندگی کنید؛ لیکن مرا در پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری نمایید.» (انسانی ۹۸)

۶۵ (۴)

امام حسین (ع) در تبیین قیام خود و بیعت نکردن با یزید، در خطبه‌ای فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی مانع باطل نمی‌گردد. در این شرایط، مؤمن حق دارد که برای ملاقات خدا آماده شود و علیه باطل قیام کند. من مرگ در این راه را جز سعادت و زندگی با ظالمین را جز ذلت و خواری نمی‌بینم.»

یکی از دلایل مبارزهٔ امامان با حاکمان، از این جهت بود که این حاکمان غاصب، قوانین اسلام را زیر پا می‌گذاشتند و به مردم ستم می‌کردند، امامان نیز وظیفه داشتند که براساس وظیفهٔ «امر به معروف و نهی از منکر» با آنان مقابله کنند و مانع زیر پا گذاشتن قوانین اسلام شوند و از حقوق مردم دفاع نمایند. (انسانی ۹۸)

براساس آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برای آنان پسندیده است، به سودشان مستقر سازد و بیم و ترسشان را به امنیت مبدل کند تا مرا بپرستند و به من شرک نوزند.» نتیجهٔ جانشینی برخی مؤمنان صالح، استقرار دین الهی و تبدیل ترس به امنیت و عبودیت خداست.

۶۷ (۲)

در مرحلهٔ دوم قیامت، زنده شدن همهٔ انسان‌ها، پس از صدای مهبب رخ می‌دهد. آیه‌ای که به قیامت اشاره دارد، آیه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾: «خدا کسی است که معبودی جز او نیست؛ حتماً شما را در قیامت جمع می‌کند که شکی در آن نیست.» می‌باشد.

دقت شود که در قیامت، معاد جسمانی و روحانی، هر دو اتفاق می‌افتد؛ یعنی جسم انسان‌ها از خاک خارج می‌شود. (تغییر هژنی)

به ترجمهٔ آیه دقت کنید: «آنگاه که مرگ یکی از آن‌ها فرارسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید، باشد که عمل صالح انجام دهم؛ آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام. هرگز! این سخنی است که او می‌گوید و پیش روی آن‌ها برزخ و فاصله‌ای است تا روزی که برانگیخته می‌شوند.»

۶۸ (۳)

درخواست کافران در عبارت ﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آعْمَلًا صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾: «می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید؛ باشد که عمل صالح انجام دهم.» مطرح شده است و قطعی نبودن نیکوکاری آن‌ها در عبارت ﴿كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا﴾: «هرگز! این سخنی است که او می‌گوید و پیش روی آن‌ها برزخ و فاصله‌ای است» به خاطر وجود برزخ، پس از مرگ اشاره دارد. (انسانی ۹۸)

۶۹ (۲)

توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راه‌یابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره‌جوید؛ زیرا این ابزار و اسباب، بنا بر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

البته توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفهٔ خود را به‌خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشهٔ خود را به‌کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و ارادهٔ محکم، برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. (انسانی ۹۸)

دقت کنیم! توکل، به معنای سپردن نتیجهٔ کارها به خداست، نه خود کارها. [دلیل رد گزینیه‌های (۱) و (۳)]

۷۰ (۴)

برخی از مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان دانست. در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

(انسانی ۹۸)



۸۴ (۲)

نقش پلیس شکستن قوانین نیست، بلکه [این است که] مردم را وادار کند از آن‌ها پیروی کنند.

(۱) خطر کردن، ریسک کردن (۲) پیروی کردن؛ اطاعت کردن (۳) دست یافتن، نایل شدن (۴) اطلاع دادن؛ آگاه کردن (هنر ۹۸)

۸۵ (۳)

خوردن صبح و ورزش کردن روزانه هر دو نیاز است تا به تقویت کردن سلامتی در افراد، پیر و جوان به طور یکسان، کمک کند.

(۱) منبع؛ دارایی (۲) اصل، اساس؛ قاعده (۳) سلامتی، تندرستی (۴) تنوع؛ گوناگونی (هنر ۹۸)

۸۶ (۴)

اگر آن‌ها علت مشکل را بدانند، ممکن است بتوانند بفهمند چگونه از رخ دادن مجدد آن در آینده جلوگیری کنند.

(۱) ادامه دادن (۲) رها کردن؛ [سیگار و غیره] ترک کردن (۳) برگشتن؛ برگرداندن (۴) فهمیدن؛ پی بردن (هنر ۹۸)

۸۷ (۴)

ما دو نفر به نام پاول جیمز مشغول به کار در این‌جا داریم، بنابراین این [موضوع] یک مقدار گیج‌کننده است.

(۱) شلوغ؛ پرازدحام (۲) محبوب، پرطرفدار (۳) غیرقابل فهم، نامفهوم (۴) گیج‌کننده (هنر ۹۸)

زبان ابزار اصلی ارتباط میان ملت‌هاست، ولی از آن‌جا که زبان‌های متفاوت بسیار زیادی وجود دارد، افراد سرتاسر جهان [برای] فهمیدن یکدیگر کار مشکلی دارند. برای سال‌های بسیار، انسان‌ها رؤیای ساختن یک زبان بین‌المللی یا جهانی را داشته‌اند که تمام افراد بتوانند [با آن] صحبت کنند و بفهمند. دلایل آن‌ها سراسر است و مشخص است. اگر تمام افراد یک زبان را صحبت می‌کردند، ارتباطات فرهنگی و اقتصادی بسیار نزدیک‌تر بود و حسن نیت میان کشورها افزایش می‌یافت.

۸۸ (۱)

(۱) ابزار، وسیله (۲) منشأ، ریشه (۳) تقاضا؛ درخواست (۴) سنت، آداب و رسوم (هنر ۹۸)

۸۹ (۴)

توضیح: عبارت "all around the world" یک همایند به حساب می‌آید که در متن درس ۱ سال یازدهم، با آن آشنا شدیم. بهتر است آن را به همین صورت به خاطر بسپارید.

(هنر ۹۸)

۹۰ (۳)

توضیح: حرف اضافه "for" (برای، به مدتی) می‌تواند برای نشان دادن یک بازه زمانی استفاده شود. این کاربرد به‌خصوص هنگام استفاده از زمان حال کامل (have dreamed of) بسیار متداول است.

(هنر ۹۸)

۹۱ (۲)

توضیح: بعد از حروف اضافه (مثل of در این تست) فعل به صورت اسم مصدر (ing) ظاهر می‌شود.

(هنر ۹۸)

۹۲ (۱)

توضیح: با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (یعنی این که تمام مردم به یک زبان صحبت کنند) یک امر فرضی و خیالی به حساب می‌آید و زمان جمله نیز به حال یا آینده مربوط می‌شود، باید از ساختار شرطی نوع دو استفاده کنیم. در ساختار شرطی نوع دو، در بند شرط از گذشته ساده و در بند جواب شرط از ساختار آینده در گذشته (شکل ساده فعل + would) استفاده می‌کنیم.

(هنر ۹۸)

زبان یکی از توانایی‌های مهم آدم‌هاست که باعث می‌شود نوع بشر از حیوانات متمایز شود، بنابراین، از دست رفتن زبان سؤالات بسیاری را در مورد تاریخ، انسانیت ما و شاید در مورد آینده ما نیز برمی‌انگیزد. هر مطالعه تاریخ زبان نشان می‌دهد که زبان‌ها، همانند انسان‌ها در طول زمان توسعه می‌یابند. بر اساس برخی تخمین‌ها، حدود ۷,۰۰۰ زبان هنوز در جهان صحبت می‌شود. این عدد نشانه‌ای از تنوع و گستره تجربه انسانی در سرتاسر جهان است. ولی تمام آن زبان‌ها به یک میزان سالم نیستند. در واقع، در حالی که برخی زبان‌ها سالم و قدرتمند هستند، دیگر [زبان‌ها] در فرایند مردن و ناپدید شدن قرار دارند. در واقع، تحقیق نشان می‌دهد که زبان‌ها بسیار سریع در حال منقرض شدن هستند. برخی معتقدند که تا [سال] ۲۱۰۰، اکثر این زبان‌ها، شاید تا ۹۰٪ از آن‌ها دیگر در رسانه گفتاری وجود نخواهند داشت. اگر این زندگی گیاهی، یا وال‌ها و دلفین‌ها بود، بسیاری از مردم نگران بودند و می‌خواستند کاری انجام شود تا این فرایند ناخوشایند متوقف شود. با وجود این، در کمال شگفتی، به نظر می‌رسد علاقه کمی به این رویداد وحشتناک وجود داشته باشد. وقتی یک زبان به وجودش پایان می‌دهد چه چیز از دست می‌رود؟

۹۳ (۱)

موضوع این متن چیست؟

(۱) از دست رفتن زبان (۲) چگونه زبان‌ها منقرض می‌شوند (هنر ۹۸)

۹۴ (۳)

(۳) مقایسه زبان‌های مدرن و قدیمی (۴) تفاوت اصلی میان انسان‌ها و حیوانات (هنر ۹۸)

چرا نویسندگان مقایسه‌ای میان زبان‌ها و انسان‌ها در پاراگراف دوم انجام می‌دهد، «هر مطالعه تاریخ زبان ...»؟

(۱) چون زبان‌ها توسط انسان‌ها صحبت می‌شوند (۲) چون هر دوی زبان‌ها و انسان‌ها تاریخ دارند (هنر ۹۸)

(۳) چون هر دوی زبان‌ها و انسان‌ها در طول زمان یکسان باقی نمی‌مانند (۴) چون وقتی زبان‌ها از دست می‌روند، انسان‌ها هر دانش و تجربه‌ای را [که] از طریق آن‌ها جمع‌آوری کرده‌اند، از دست می‌دهند (هنر ۹۸)



عبارت "these languages" به چه چیز اشاره می‌کند؟

۹۵ (۲)

(۱) زبان‌های سالم و قدرتمند

(۳) آن زبان‌هایی که موفق می‌شوند تا [سال] ۲۱۰۰ دوام بیاورند

(هنر ۹۸)

(۴) ۷,۰۰۰ زبانی که هنوز در جهان صحبت می‌شوند

این متن به احتمال زیاد با بحثی در مورد ادامه می‌یابد.

۹۶ (۴)

(۱) دلایلی که چرا زبان‌ها می‌میرند

(۲) [این که] چه کنیم تا از نابود شدن زبان‌ها جلوگیری کنیم

(۳) [این که] چرا افراد در مورد مرگ تدریجی زبان‌ها نگران هستند

(هنر ۹۸)

(۴) [این که] از دست رفتن زبان باعث می‌شود علاوه بر خود زبان چه چیزی را از دست دهیم

برخی مردم خجالتی هستند، که بدان معناست که در حضور دیگران احساس ناراحتی می‌کنند. اگر شما از خجالتی بودن رنج می‌برید، تنها نیستید، چرا که بسیاری از افراد وجود دارند [که] همین مشکل را دارند. بر اساس تحقیقات جدید، قریب به ۵۰ درصد از جمعیت عمومی گزارش می‌دهند که آن‌ها در حال حاضر درجه‌ای از خجالتی بودن را در زندگی‌هایشان تجربه می‌کنند. به علاوه، نزدیک به ۸۰ درصد از مردم احساس خجالت را در برهه‌ای از زندگی‌شان گزارش می‌دهند. از آن‌جا که خجالتی بودن تا این حد در جهان فراگیر است، تعجبی نیست که دانشمندان اجتماعی در حال آموختن [چیزهای] بیشتری در مورد علل آن هستند. آن‌ها یافته‌اند که خجالتی بودن در یک فرد می‌تواند از هر دو عامل زیست‌شناختی و محیطی ناشی شود. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که برخی مردم به صورت ژنتیکی مستعد خجالتی بودن هستند. به عبارت دیگر، برخی مردم می‌گویند که بعضی از انسان‌ها خجالتی به دنیا می‌آیند. پژوهشگران می‌گویند که بین ۵ تا ۲۰ درصد از کودکان تازه متولد شده نشانه‌هایی از خجالتی بودن را بروز می‌دهند: آن‌ها ساکت‌تر و محتاط‌تر هستند. پژوهشگران تفاوت‌های روانشناختی‌ای را میان کودکان اجتماعی و خجالتی شناسایی کرده‌اند که تنها در عرض دو ماه بروز می‌یابند. در یک مطالعه، دوماهه‌هایی که بعداً به عنوان کودکان خجالتی شناسایی شدند وقتی آویزهای متحرک و صداهای ضبط‌شده انسان به آن‌ها نشان داده می‌شد با علائمی از استرس واکنش نشان می‌دادند: تپش قلب افزایش یافته، حرکات ناگهانی دست‌ها و پاها و گریه کردن بیش از حد. شواهد بیشتر از اساس ژنتیک خجالتی بودن این واقعیت است که والدین و پدربزرگ و مادربزرگ‌های کودکان خجالتی بیشتر از والدین و پدربزرگ و مادربزرگ‌های کودکان غیرخجالتی می‌گویند که آن‌ها به عنوان کودک، خجالتی بودند.

دانشمندان اجتماعی تلاش کرده‌اند تا به دلایل خجالتی بودن پی ببرند چون

۹۷ (۱)

(۱) این مشکلی است که بسیاری از انسان‌ها از آن رنج می‌برند

(۲) این قطعاً یک ریشه ذهنی دارد و نه یک ریشه جسمی

(۳) راه‌های پیشنهادشده قبلی برای کنترل کردن آن جواب ندادند

(هنر ۹۸)

(۴) برخی افراد که گزارش می‌دهند که خجالتی هستند ممکن است واقعاً خجالتی نباشند

از پاراگراف ۲ می‌توان نتیجه گرفت که اگر والدین و پدربزرگ و مادربزرگ یک فرد خجالتی باشند، او

۹۸ (۴)

(۱) کم‌تر اجتماعی خواهد شد تا [آن چه] آن‌ها بودند

(۲) نیاز دارد تا فوراً یک پزشک را ببیند

(هنر ۹۸)

(۳) دوران کودکی دشواری را داشته است

(۴) احتمال دارد که [او] هم خجالتی باشد

لغت "they" در پاراگراف ۲ به اشاره دارد.

۹۹ (۲)

(۱) علائم استرس

(۲) دوماهه‌ها

(هنر ۹۸)

(۳) کودکان خجالتی به طور کلی

(۴) آویزها و صداهای ضبط‌شده انسان

کدام یک از گزاره‌های زیر بر اساس پاراگراف ۲ صحیح است؟

۱۰۰ (۲)

(۱) هیچ کس خجالتی به دنیا نمی‌آید.

(۲) تفاوت‌های فیزیولوژیکی میان کودکان خجالتی و اجتماعی وجود دارد.

(۳) افراد خجالتی معمولاً کم‌حرف‌تر ولی کم‌تر محتاط هستند از آن‌هایی که خجالتی نیستند.

(هنر ۹۸)

(۴) تپش قلب، حرکات ناگهانی دست‌ها و پاها و گریه کردن بیش از حد، برخی دلایل فیزیولوژیک خجالتی بودن هستند.

فرهنگ و معارف اسلامی

- ۵۱ (۳) قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه پذیرش «من» ثابت بنا شده‌اند. برای مثال، اگر از شخصی که بیست سال قبل کتابی نوشته یا یک قانون علمی را کشف کرده یا خدماتی به جامعه عرضه نموده است، اکنون تجلیل کنیم و یا اگر کسی را که بیست سال قبل، به جنایتی دست زده و اکنون دستگیر شده است، محاکمه و مجازات کنیم، به معنای اتکا به شخصیت و هویت افراد بر پایه «من» ثابت است. (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۲ (۴) امام کاظم(ع) به شاگرد برجسته‌اش، هشام بن حکم می‌فرماید: «... کسانی پیام الهی را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند ...». یکی از سرمایه‌های انسان، توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب اوست. یعنی انسان، ابتدا درباره هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، تفکر می‌کند و اگر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد. (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۳ (۲) روایت شریف «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مِنْ عَصَاةٍ: کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد.» با آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْثِلُهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾: «آنان که بدی پیشه کردند، جزای بد به اندازه عمل خود می‌بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می‌نشیند.» ارتباط دارد؛ چون در هر دو، موضوع نافرمانی خداوند مشترک است. (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۴ (۱) پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.» (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۵ (۲) وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. (قضای الهی)
- سلسله علت‌ها در این حالت در یک ردیف و مستقل نیستند؛ بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین وابسته به علت مرتبه بالایی است؛ یعنی از نوع وابستگی به عامل بالاتر است. (تفصیل کلی)
- ۵۶ (۲) آیه شریفه ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: «بگو همانا نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است.» اشاره به توحید عملی دارد. پس با آیه ﴿وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾: «که مرا عبادت کنید؛ این راهی مستقیم است.» مورد تأکید قرار گرفته است. (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۷ (۳) با توجه به کلیدوازه ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ﴾ در آیه شریفه ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾: «و قطعاً خداوند بر مؤمنان منت نهاده است هنگامی که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که بر آنان آیاتش را تلاوت کند و آنان را تزکیه کند و به آنان کتاب و حکمت را بیاموزد. در حالی که قبل از آن در گمراهی آشکار بودند.» این آیه درباره «مرجعیت دینی» پیامبر(ص) است. (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۸ (۳) خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گردانیده و راه رسیدن به رستگاری را برای انسان‌ها هموار ساخته است که آیه شریفه اطاعت: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...﴾: «ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و رسول و ولی امرتان اطاعت کنید.» به این اتمام نعمت اشاره دارد. همچنین دستور به اطاعت از اولی الامر (امامان) حاکی از التزام به این نعمت است. (فارج انسانی ۹۸)
- دقت کنیم!** در آیه ابلاغ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ...﴾ به نعمت امامت اشاره شده است، اما بحث التزام به آن مطرح نیست. (فارج انسانی ۹۸)
- ۵۹ (۳) با توجه به عبارت ﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾: «باشد که عمل صالح انجام دهم؛ آن چه را که در گذشته ترک کرده بودم.»، آرزوی کافران و مشرکان این است که به دنیا بازگردند و اعمال صالحی را که ترک کرده‌اند، انجام دهند. (فارج انسانی ۹۸)
- ۶۰ (۴) برخی از آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند، بذکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند. (فارج انسانی ۹۸)
- ۶۱ (۲) افراد زیرک می‌دانند که برخی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست و به میزانی که هدف ما برتر و جامع‌تر باشد، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهد؛ یعنی با انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی خود، با یک تیر چند نشان می‌زنند. هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده درست می‌کنند و هم از آن جایی که تمام کارهای دنیوی خود را برای رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند که این موضوع در آیه شریفه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدِ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾: «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» مورد توجه واقع شده است. (فارج انسانی ۹۸)
- ۶۲ (۲) هر کس، چه مؤمن و چه کافر، فکرش را به سوی گناه ببرد و درباره صحنه‌های گناه فکر کند، گرفتار آن می‌گردد. (فارج انسانی ۹۸)
- امام علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا»: «کسی که درباره معاصی زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خودش می‌کشاند.»



آیا تا به حال سبزیجات به خصوصی را در زمان نامناسب سال خواسته‌اید؟ آیا تا به حال [بعد] از روزی طولانی به خانه آمده‌اید تا صرفاً بفهمید که هیچ سبزیجاتی برای شام ندارید؟ من در چنین موقعیتی بوده‌ام. من از خوردن سبزیجاتم با شامم لذت می‌برم. شام بدون سبزیجات درست در بشقابم به نظر ناقص می‌آید. ولی به نظر می‌رسید که هر بار می‌خواستم نوع خاصی از سبزیجات را داشته باشم، همیشه زمان نادرست بود. خوب، دیگر نه! من شروع به منجمد کردن سبزیجات خودم کرده‌ام و خوشحالم که بگویم که حالا سبزیجات مورد علاقه‌ام را در تمام طول سال دارم، گذشته از پس‌اندازها. برای بیشتر افراد، منجمد کردن سبزیجات به نظر فرایند زمان‌گیر و پیچیده‌ای می‌آید؛ با وجود این، در واقع بسیار ساده است. شما تنها کافی است بدانید چه انواعی از سبزیجات قابل انجماد هستند، چگونه آن‌ها را آماده کنید و چگونه آن‌ها را [در آب جوش] نیم‌پز کنید.

- (۱) باور کردن؛ باور داشتن (۳) ۸۸ (۲) ۸۹ (۱) ۹۰ (۳) ۹۱ (۴) ۹۲
- (۲) شناسایی کردن؛ تشخیص دادن (۳) کشف کردن؛ فهمیدن (۲) توضیح: پس از فعل "enjoy" (لذت بردن از) فعل به صورت اسم مصدر (فعل ing دار) به کار می‌رود، به همین دلیل در جای خالی فعل "have" (داشتن؛ خوردن) را در ساختار اسم مصدر به کار می‌بریم.
- (۱) اشتباه؛ نادرست (۲) دقیق (۳) ممکن؛ محتمل (۴) لذت‌بخش (۱) گسترده، وسیع (۲) تازه، جدید (۳) مورد علاقه، محبوب (۴) گران
- (۱) توضیح: با توجه به مفهوم جمله در جای خالی به صفت نیاز داریم. البته بدون توجه به مفهوم جمله هم می‌توان گفت که آن چه قبل و بعد از حرف ربط "and" می‌آید، باید از یک جنس باشد و از آن‌جا که قبل از حرف ربط "and" صفت "time-consuming" (زمان‌گیر) را داریم، در جای خالی نیز به یک صفت نیاز داریم. تنها گزینه‌ای که شامل یک صفت است، گزینه (۴) می‌باشد.

گفته می‌شود که حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و بسیاری از این میلیاردها کاربر رسانه‌های اجتماعی به تأثیرگذاران (اینفلوئنسر) نگاه می‌کنند تا به آن‌ها کمک کنند [که] تصمیم بگیرند چه بخرند و از چه گرایش‌هایی پیروی کنند. خوب، تأثیرگذار چیست و چگونه یکی [از آن‌ها] بشویم؟

تأثیرگذار فردی است که به خاطر رابطه‌اش با مخاطبش و دانشش در زمینه‌ای به‌خصوص، همچون مُد، سفر یا فناوری می‌تواند بر تصمیمات دنبال‌کننده‌هایش تأثیر بگذارد. تأثیرگذاران معمولاً یک گروه دنبال‌کننده بزرگ از افراد را دارند که به دیدگاه‌های آن‌ها توجه دقیق می‌کنند. آن‌ها این قدرت را دارند که مردم را وادار به خریدن چیزها کنند و تأثیرگذاران حالا توسط بسیاری از شرکت‌ها به عنوان راهی مستقیم به قلب‌های مشتریان دیده می‌شوند. برندها اکنون از تأثیرگذاران قدرتمند می‌خواهند تا محصولاتشان را بازاریابی کنند. در حالی که برخی تأثیرگذاران برای یک پُست رسانه اجتماعی درخواست ۲۵,۰۰۰ دلار می‌کنند، تعجبی ندارد که افراد بیشتر و بیشتری علاقه‌مند می‌شوند که [آن‌ها] هم تأثیرگذار شوند. اگر شما یکی از آن‌ها هستید، این‌جا پنج نکته در مورد چگونه انجام دادن آن وجود دارد.

اول، خرده‌تخصص خود را پیدا کنید. کدام زمینه است که شما بیشترین چیز را در موردش می‌دانید؟ در مورد صحبت کردن راجع به چه چیز بیشتر هیجان‌زده هستید؟ زمینه به‌خصوصی را پیدا کنید که بیشترین علاقه را [به آن] دارید و آن را گسترش دهید. سپس، رسانه خود را پیدا کنید و یک شرح حال جالب بنویسید. بیشتر تأثیرگذاران امروزه وبلاگ‌نویسان و ریزوبلاگ‌نویسان هستند. تصمیم بگیرید [که] کدام رسانه - مانند وبلاگ آنلاین خودتان، اینستاگرام یا اسنپ‌چت - بهترین راه است تا با دنبال‌کنندگان‌تان ارتباط برقرار کنید و در مورد زمینه خرده‌تخصص‌تان صحبت کنید. وقتی آن را انجام دادید، شرح حال جالب توجهی بنویسید و خودتان و زمینه تخصصی‌تان را به شیوه‌ای جالب و منحصر به فرد توصیف کنید. مطمئن شوید [که] افرادی که شرح حال شما را می‌خوانند تمایل خواهند داشت تا شما را دنبال کنند.

- هدف اصلی پاراگراف ۲ چیست؟ (۱) ۹۳ (۲) ۹۴ (۱) ۹۵ (۲) ۹۶
- (۱) توصیف کردن [این‌که] یک تأثیرگذار کیست (۲) شناسایی کردن شیوه‌های جدید رسانه‌های اجتماعی (۳) کمک کردن به تأثیرگذاران تا کار خود را بهتر انجام دهند (۴) توضیح دادن [این‌که] چرا افراد پست‌های رسانه‌های اجتماعی را دنبال می‌کنند
- (۱) تعداد زیادی دنبال‌کننده داشته باشند (۲) میزان قابل توجهی پول به دست آورند (۳) دانش خود را در زمینه‌های مختلف افزایش دهند (۴) به افراد کمک کنند تصمیم‌های درست در زندگی‌هایشان بگیرند



۵۱ (۱) قرآن کریم هدف خلقت انسان را تقرب به خدا بیان کرده است. رشد و کمال انسان و در نتیجه، رستگاری او جز با گام برداشتن به سوی هدف تقرب به خداوند میسر نمی‌شود. خداوند متعال برای این‌که انسان بتواند در مسیر رشد و کمال خود حرکت کند و به هدف خلقت (یعنی تقرب به خدا) دست یابد، سرمایه‌هایی در اختیارش قرار داده است.

اگر بعد از این دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده و سپس او را درحالی‌که مشتاق حیات ابدی است نابود می‌کند و این‌کار با حکمت خداوند سازگار نیست. زیرا عدم پاسخگویی به خواسته‌های انسان، نشانه بی‌حکمتی است. (تغییر جزئی)

۵۲ (۲) براساس آیه «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا»: «آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفت، آیا تو می‌توانی ضامن او باشی [و به دفاع از او برخیزی]؟»، اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و اوامرش را به فرمان‌های خداوند ترجیح دهد، چنین شخصی گرفتار شرک عملی شده است.

سرمایه‌های نفس لّوامه (وجدان) و عقل، در برابر نفس اماره به ما یاری می‌رسانند و نفس اماره ما را از پیروی عقل و وجدان باز می‌دارد. (تغییر جزئی)

۵۳ (۱) عقیده به سلب اختیار از انسان یا جبری بودن سرنوشت انسان، به معنای بی‌اختیار تصور کردن اوست که با آیات مربوط به اختیار، نفی می‌شود. از جمله در آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَنْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِنَافْسِهِ»: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست و هر کس کور دل گردد، به زیان خود اوست»، این عقیده نفی شده است.

اگر کسی قانون‌مندی جهان را با اختیار انسان ناسازگار ببیند و خود را مجبور و مقهور در آن بداند، هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری‌اش به وجود نمی‌آید و نمی‌تواند به درستی از قوه اختیار بهره‌مند شود. (تغییر جزئی)

۵۴ (۴) امداد خاص خدا نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد که از جلوه‌های آن، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. در آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»: «و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است»، به این سنت الهی اشاره شده است. دقت شود که آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا ...» در اشاره به توفیق، بر آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ...» تقدم دارد. (تغییر جزئی)

۵۵ (۳) عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم، اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و به اذن او بدانیم، عین توحید در ربوبیت است و آیه «قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَىٰ رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»: «بگو: آیا جز خدا پروردگاری را بطلبم در حالی‌که او پروردگار همه چیز است؟» از نظر نفی شرک در ربوبیت، با آن ارتباط مفهومی دارد. (تغییر جزئی)

۵۶ (۳) آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»: «و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است»، به هدایت شدن انسان با اخلاص به راه حق با بصیرت و روشن‌بینی اشاره دارد که ناشی از حکمت و از میوه‌های درخت اخلاص است. زیرا حکمت، به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد. انسان حکیم به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود. (تغییر جزئی)

۵۷ (۴) در حدیث شریف «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ»: «ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم»، پیامبر اکرم (ص)، مأموریت انبیای الهی را ارائه تعالیم متناسب با سطح فکر و اندیشه مردم هر زمان، معرفی نموده‌اند و طبق ترجمه آیه «... و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیموندند، مگر پس از آن‌که به حقایق آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت»، علت اختلاف در دین واحد الهی، رشک و حسادت بود، نه جهالت و ناآگاهی.

۵۸ (۲) رسول خدا (ص) در مدت ۲۳ سال تلاش و با تحمل رنج‌های فراوان که نظیر آن در تاریخ یافت نمی‌شود، توانست بزرگ‌ترین و ماندگارترین پیام الهی را به مردم برساند. اکنون جا دارد که ما مسلمانان قدر دان تلاش و مجاهدت‌های پیامبر (ص) باشیم و با اتحاد و همدلی با یکدیگر نگذاریم دشمنان اسلام زحمات و تلاش‌های آن حضرت را بی‌اثر کنند.

۵۹ (۱) غیبت امام زمان (عج) آن قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کنند. پس جهت درک ظهور حضرت مهدی (عج)، شایستگی بشریت لازم است. (تغییر جزئی)

۶۰ (۲) براساس حدیث پیامبر (ص): «... اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن‌ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود»، یک فقیه در صورت تفقه و آموزش دادن احکام دین به مردم، در قیامت با پیامبر همنشین می‌شود. عبارت قرآنی «لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»: «آن‌گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آن‌ها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند»، به این وظیفه فقیه اشاره دارد. (تغییر جزئی)



۸۱ (۳۰۲)

او (مؤنث) معمولاً در پوشاندن احساساتی که نمی‌خواست بروز دهد ماهر بود ولی آن [مرد] همه آن‌ها را متوجه شد و به رخش کشید.

۸۲ (۲)

(۱) بااحتیاط (۲) به‌شدت، جداً (۳) به‌طور طبیعی؛ معمولاً (۴) خردمندانه، هوشیارانه
هیچ راهی وجود ندارد تا پیش‌بینی کنیم چه تعداد افراد تحت تأثیر طوفان قرار خواهند گرفت، ولی تخمین می‌زنیم هزاران نفر خواهد بود.
(۱) دفاع کردن از؛ پشتیبانی کردن از (۲) پیش‌بینی کردن؛ پیش‌گویی کردن
(۳) اطلاع دادن به؛ مطلع کردن (۴) آماده کردن، مهیا کردن

۸۳ (۱)

گرامر انگلیسی در زمان‌هایی می‌تواند بسیار پیچیده باشد، بنابراین بهتر است در مورد درک کردن تمام قواعد خیلی زیاد نگران نباشید.

۸۴ (۴)

(۱) پیچیده (۲) منطقی، معقول (۳) شخصی (۴) مؤثر، کارآمد
مطمئنم که پزشکم به دلیل بیماری‌ام حداقل چند هفته من را از خوردن شکر منع خواهد کرد.
(۱) متعادل کردن، متوازن کردن (۲) کاهش دادن؛ کاهش یافتن
(۳) اثر گذاشتن بر؛ تحت تأثیر قرار دادن (۴) منع کردن؛ ممنوع کردن

۸۵ (۱)

جیمی از زمانی که در تصادف رانندگی مجروح شد، در وضعیت درد دائمی بوده است.

۸۶ (۱)

(۱) پیوسته، دائمی، مداوم (۲) رایج؛ مشترک (۳) مستقیم، یکراست (۴) انسانی، بشری
انسان‌ها با ۳۰۰ استخوان در بدن‌هایشان متولد می‌شوند؛ با وجود این، وقتی که یک شخص به بلوغ می‌رسد تنها ۲۰۶ استخوان دارد. این به این دلیل اتفاق می‌افتد که بسیاری از آن‌ها به یکدیگر می‌پیوندند تا یک استخوان واحد را تشکیل دهند.

۸۷ (۴)

(۱) پیوستن؛ متصل کردن (۲) حمل کردن، (به همراه) داشتن
(۳) باعث ... شدن، سبب ... بودن (۴) شامل بودن، متشکل بودن از
لحظه‌ای [که] متوجه شوید که این حق شماس است تا شاد باشید، در واقع گامی بزرگ به سوی شادی برداشته‌اید.
(۱) عمیقاً؛ به‌شدت (۲) به‌شدت (۳) تقریباً (۴) در واقع، در حقیقت

بسیاری از دانشجویان از مشکلات ابتدایی زندگی در کشوری جدید حقیقتاً آگاه نیستند. وقتی در کشوری خارجی زندگی می‌کنید، وقتتان را در کافه‌ها یا [برای] نگاه کردن به میراث هنری یا فرهنگی نمی‌گذرانید. شما باید دوست شوید؛ و برای انجام آن باید به آن زبان صحبت کنید. اگر [این کار را] نکنید، خودتان را در نیاز برای کمک از [طرف] سایرین برای انجام دادن حتی راحت‌ترین کارها می‌یابید - پست کردن نامه، انجام واریز بانکی، دریافت مجوز کار، پرداخت قبض و غیره. این می‌تواند در زمان‌هایی دشوار باشد، به خصوص هنگامی که مجبور هستید [منظور] خودتان را با ساده‌ترین اصطلاحات بیان کنید چون که هنوز آن زبان را فرا نگرفته‌اید.

۸۸ (۴)

(۱) به نحو فعالانه‌ای (۲) به طور مختصر؛ به طور کوتاه (۳) به شدت (۴) حقیقتاً، واقعاً

۸۹ (۳)

توضیح: یکی از کاربردهای مصدر با to که در این تست نیز مدنظر است، هدف و مقصود از انجام فعل است.

۹۰ (۲)

(۱) در حالی که؛ چون (که) (۲) حتی (۳) بسیار، خیلی (۴) گرچه، اگرچه

۹۱ (۳)

(۱) کسل‌کننده، خسته‌کننده (۲) عمومی، همگانی (۳) سخت، دشوار (۴) ذهنی؛ روحی

۹۲ (۴)

(۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به) (۲) دنبال کردن؛ پیروی کردن (۳) تولید کردن، ساختن (۴) بیان کردن، ابراز کردن

وقتی که ما زبانی خارجی را می‌آموزیم، اغلب فکر می‌کنیم که فهمیدن هر چیزی که می‌شنویم مهم است، اما وقتی شما به کسی که به زبان خودتان صحبت می‌کند گوش می‌دهید، احتمالاً به ۱۰۰٪ [از آن چه آن فرد می‌گوید] گوش نمی‌دهید و احتمالاً نیاز / تمایلی هم ندارید [گوش دهید]. بنابراین یک قاعده ضروری برای تقویت کردن فهمتان از گویش‌وران بومی انگلیسی این است که انتظار نداشته باشید هر چیزی را که می‌گویند درک کنید. من و همسر هر دو اهل توکیو ژاپن هستیم. وقتی که ما دی‌وی‌دی‌هایی از مجموعه‌های تلویزیونی انگلیسی می‌بینیم، [آن‌ها را] با زیرنویس می‌بینیم - اگر ما زیرنویس نداشته باشیم گاهی حدود ۲۰٪ از چیزی که گفته می‌شود را متوجه نمی‌شویم. با وجود این، حتی اگر زیرنویس‌ها را فعال نکنیم و در نتیجه ۲۰٪ را متوجه نشویم، همچنان به اندازه کافی می‌فهمیم تا داستان را دنبال کنیم. فهمیدن به اندازه کافی برای دنبال کردن خط داستان باید هدف شما هم باشد. منظورم از «خط داستان» مکالمه‌ای در یک رستوران، یک سخنرانی رسمی یا تماسی تلفنی است.

در مواجهات نه‌چندان تخصصی یا علمی، اغلب مکالمات بیشتر ابزاری برای با هم بودن هستند، رویدادی اجتماعی - فرهنگی که در آن روابط شکل می‌گیرند، به جای آن‌که فرصتی برای تبادل اطلاعات [باشند]، اکثر مواقع، آن‌چه گفته می‌شود ممکن است کاملاً بی‌ارتباط باشد. غالباً صحبت کردن صرفاً هدفی به خودی خود است. وقتی که ما برای شام با دوستان بیرون می‌رویم، هدف اصلی جمع کردن اطلاعات مفید نیست، بلکه [هدف] صرفاً تعامل کردن با افرادی است [که] با آن‌ها هستیم و لذت بردن از حضور یکدیگر است.



بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) تسع: عدد اصلی و مجرور به حرف جر است.
 (۳) الثانیة: عدد ترتیبی و صفت است. / عشر: عدد اصلی و مجرور به حرف جر است. ترجمه: صفحه دوم از این منظومه را در ده دقیقه خواندم.
 (۴) ثلاثة: عدد اصلی و فاعل است. ترجمه: سه ماه برای استراحت در خانه کافی است. (تغییر جزئی)

۴۹ (۳)

آنچه را که در آن اسلوب حصر است، مشخص کن:

در عبارت گزینه (۳) اسلوب حصر وجود دارد.

ترجمه عبارت: دوستم فقط با نیازمندان شهرمان غذا می‌خورد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) مستثنی: الله / مستثنی منه: أحد
 (۲) مستثنی: أربع / مستثنی منه: الأسئلة
 (۴) مستثنی: من / مستثنی منه: العدو
 ترجمه: کسی کارهایمان را نمی‌بیند به جز خداوند بلندمرتبه.
 ترجمه: معلم سؤال‌ها را پاسخ نداد به جز چهار [سؤال] از آن‌ها را.
 ترجمه: به دشمن حمله نکنید مگر به کسی که به شما حمله می‌کند. (تغییر کلی)

۵۰ (۱)

[گزینه] نادرست را برای جای خالی به منظور ایجاد اسلوب حال مشخص کن: باشتاب به اداره رسیدیم. (تغییر جزئی)

توجه: حال و صاحب حال باید از لحاظ تعداد و جنسیت با یکدیگر مطابقت داشته باشند.

فرهنگ و معارف اسلامی

۵۱ (۲)

هرگاه که امام علی (ع) مردم را موعظه می‌کرد معمولاً سخن خود را با این عبارات آغاز می‌کرد: «ای مردم ... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لَهو کند ...» با توجه به هدفمندی خلقت انسان، او را از کارهای لَهو پرهیز می‌دهد. حضرت علی (ع) در مورد نفس اماره می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست.» دقت شود که خود دانی، بالذات (ذاتاً) بد نیست، بلکه در صورت افراط در آن، بد می‌شود و انسان را از تمایلات عالی غافل می‌کند. (تغییر کلی)

۵۲ (۴)

خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد. این حمایت، جلوه‌ای از سنت توفیق الهی است که در آیه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾: «و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است»، تجلی یافته است.

قوة انتخاب بهترین راه در وجود انسان، همان گرایش به نیکی و بیزاری از بدی است که در آیه ﴿وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾: «سوگند به نفس و آن‌که سامانش بخشید آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد»، نمود یافته است. (تغییر جزئی)

۵۳ (۲)

کافران و منکران معاد از روی علم، معاد را انکار نمی‌کنند، بلکه از روی گمان و خیال می‌گویند که عامل نابودی ما گذشت روزگار است. این مفهوم در آیه ﴿وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُلْهِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾: «[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند. البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند، بلکه فقط ظن و خیال آنان است»، تبیین شده است. (تغییر کلی)

۵۴ (۱)

اگر قلباً بر خدا توکل کنیم و خدا را واقعاً تکیه‌گاه خود ببینیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد.

توکل حقیقی در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به‌کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد؛ زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانم‌کاری افراد نیست، بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است. (تغییر جزئی)

۵۵ (۲)

قرآن کریم به مسلمانان هشدار می‌دهد که پس از پیامبر (ص)، به آیین گذشته خود و جاهلیت بازنگردند. این هشدار در آیه ﴿وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ فَلَنْ يَصَرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾: «و محمد نیست، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی‌گردید؟ و هر کس به گذشته بازگردد، به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند و خداوند به‌زودی پیروان را پاداش می‌دهد»، ترسیم شده است. (تغییر جزئی)

۵۶ (۳)

آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾: «و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم»، به هدایت شدن انسان با اخلاص به راه حق با بصیرت و روشن‌بینی که نتیجه حکمت و از ثمرات و میوه‌های اخلاص است، اشاره دارد. انسان حکیم، به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود. (تغییر جزئی)



۵۴ (۱)

آیه شریفه ﴿كَلَّا تُمَدِّهُ هُوَآءٌ وَهُوَآءٌ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ...﴾: «هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت ...»، به سنت امداد عام الهی اشاره دارد، مطابق با این سنت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌یابد.

(تفسیر میزنی)

۵۵ (۴)

در آیه ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ...﴾ به تفکر و تصمیم در مورد دلایل روشن الهی که به نفع انسان هاست، توجه شده است.

در آیه ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكَمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ به عقوبت اعمال بد انسان در آخرت که بیانگر مسئولیت‌پذیری است اشاره شده است.

در آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِمَّا كَفَرُوا﴾ به تصمیم‌گیری انسان در برابر نعمت هدایت که سپاسگزار باشد یا ناسپاس، اشاره می‌کند.

خداوند در خواسته‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می‌دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می‌کند.

۵۶ (۳)

حتی اگر احساس کنیم برخی خواسته‌های خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

آیه شریفه ﴿مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾: «آن‌ها هیچ ولی [سرپرستی] جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد»، به این موضوع اشاره دارد که هرگونه تصرف در جهان، حق و شایسته خداوند است و غیر از او کسی بر موجودات، ولایت مستقل ندارد.

(زبان ۹۷)

یکی از راه‌های تقویت اخلاص، افزایش معرفت و شناخت به خداست که در بیت «مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان / هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود؟» به آن اشاره شده است. زیرا اگر کسی پرده غفلت را کنار نرزد، همچنان نابینا خواهد ماند و از نور روی دوست بهره‌ای نخواهد برد.

(ریاضی ۹۸ نظام قدیم منطق بر نظام جدید)

۵۹ (۴)

قرآن در آیه شریفه ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا حُوفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾: «هر کس به خدا و روز آخرت ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد پس نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌شوند»، وصف کسانی را می‌فرماید که ترس و غم و اندوه ندارند و آن را به خاطر ایمان به خدا و آخرت و انجام عمل صالح کسب کرده‌اند.

طبق حدیث امام صادق (ع): «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»: «هر کس از خدا نافرمانی کند، او را دوست ندارد» این نکته مورد اشاره قرار گرفته است که اگر کسی محبت خدا را در قلب دارد، شایسته است از دستوراتش پیروی کند و از فرمان‌های او سرپیچی ننماید.

(زبان ۹۷)

۶۰ (۱)

در آیات سورة مبارکه عصر: ﴿وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾: «قسم به عصر، همانا انسان در زیان‌کاری است؛ مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دهند ...»، با سوگند به زمان که سرمایه عمر انسان است، همه انسان‌ها را در زیان‌کاری معرفی می‌کند، مگر کسانی که با زندگی مؤمنانه و عمل به نیکی‌ها، راه درست زندگی‌شان را از دین خداوند اخذ کنند. هم‌چنین آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ﴾: «ای مؤمنان، خدا و پیامبر را اجابت کنید.» نیز به معنای اجابت مؤمنان از فرمان خدا و پیامبرش است که هر دو به پاسخ مؤمنان به نیاز کشف راه درست زندگی اشاره دارند.

راه درست زندگی اشاره دارند.

ویژگی اعجاز مختص پیامبران است.

۶۱ (۲)

پیامبر زمانی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد.

(تفسیر میزنی)

آیه شریفه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾: «آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ و اگر از نزد غیرخدا بود، قطعاً در آن تعارض و ناسازگاری زیادی می‌یافتند»، درباره نبود اختلاف در قرآن است. نه تنها میان آیات قرآن، تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می‌کنند و این موضوع به «انسجام درونی در عین نزول تدریجی» از مصادیق اعجاز محتوایی قرآن اشاره دارد.

محتوایی قرآن اشاره دارد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فريضة حج را به‌جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان برگزار شد، به «حجة‌البلاغ» و «حجة‌الوداع» مشهور است. در این حج هزاران نفر شرکت کرده بودند، تا روش انجام دادن اعمال حج را از رسول خدا(ص) فراگیرند و حج را با ایشان به‌جا آورند.

۶۲ (۱)

پیامبر زمانی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد.

آیه شریفه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾: «آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ و اگر از نزد غیرخدا بود، قطعاً در آن تعارض و ناسازگاری زیادی می‌یافتند»، درباره نبود اختلاف در قرآن است. نه تنها میان آیات قرآن، تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می‌کنند و این موضوع به «انسجام درونی در عین نزول تدریجی» از مصادیق اعجاز محتوایی قرآن اشاره دارد.

محتوایی قرآن اشاره دارد.

پیامبر پس از نزول آیه تبلیغ ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ...﴾ دستور داد همه توقف کنند و بعد این سؤال را پرسید: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟»: «ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟»

طبق آیه شریفه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ...﴾، ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام از اهداف ارسال پیامبران بوده است که در ادامه آیه، ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ آمده که «مردم» باید جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند. چون فاعل جمله، مردم (الناس) هستند.

(فارغ انسانی ۹۸ نظام قدیم منطق بر نظام جدید)

۶۳ (۱)

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس به اندیشه‌های علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) به ظاهر مسلمان‌شده مانند کعب‌الاحبار میدان می‌دادند؛ آنان به تفسیر قرآن و معارف مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان می‌پرداختند و حاکمان تلاش می‌کردند، شخصیت‌های اصیل اسلامی، به‌خصوص اهل بیت(ع) را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند به جایگاه برجسته‌ای برسانند و راهنمای مردم معرفی کنند.

امام زمان(عج) را غایب نامیده‌اند چون مردم عادی امام را نمی‌بینند، نه این‌که در جامعه حضور ندارد بلکه از نظرها غایب است. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند نه این‌که ایشان در بین مردم نیست و از وضع مردم بی‌خبر است. این غیبت آن‌قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کنند.

(زبان ۹۷)

۶۴ (۳)

پیامبر پس از نزول آیه تبلیغ ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ...﴾ دستور داد همه توقف کنند و بعد این سؤال را پرسید: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟»: «ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟»

طبق آیه شریفه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ...﴾، ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام از اهداف ارسال پیامبران بوده است که در ادامه آیه، ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ آمده که «مردم» باید جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند. چون فاعل جمله، مردم (الناس) هستند.

(تفسیر میزنی)

۶۵ (۳)

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس به اندیشه‌های علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) به ظاهر مسلمان‌شده مانند کعب‌الاحبار میدان می‌دادند؛ آنان به تفسیر قرآن و معارف مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان می‌پرداختند و حاکمان تلاش می‌کردند، شخصیت‌های اصیل اسلامی، به‌خصوص اهل بیت(ع) را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند به جایگاه برجسته‌ای برسانند و راهنمای مردم معرفی کنند.

امام زمان(عج) را غایب نامیده‌اند چون مردم عادی امام را نمی‌بینند، نه این‌که در جامعه حضور ندارد بلکه از نظرها غایب است. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند نه این‌که ایشان در بین مردم نیست و از وضع مردم بی‌خبر است. این غیبت آن‌قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کنند.

(زبان ۹۷)

۶۶ (۴)

پیامبر پس از نزول آیه تبلیغ ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ...﴾ دستور داد همه توقف کنند و بعد این سؤال را پرسید: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟»: «ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟»

طبق آیه شریفه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ...﴾، ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام از اهداف ارسال پیامبران بوده است که در ادامه آیه، ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ آمده که «مردم» باید جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند. چون فاعل جمله، مردم (الناس) هستند.

(تفسیر میزنی)

۶۷ (۱)

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس به اندیشه‌های علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) به ظاهر مسلمان‌شده مانند کعب‌الاحبار میدان می‌دادند؛ آنان به تفسیر قرآن و معارف مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان می‌پرداختند و حاکمان تلاش می‌کردند، شخصیت‌های اصیل اسلامی، به‌خصوص اهل بیت(ع) را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند به جایگاه برجسته‌ای برسانند و راهنمای مردم معرفی کنند.

امام زمان(عج) را غایب نامیده‌اند چون مردم عادی امام را نمی‌بینند، نه این‌که در جامعه حضور ندارد بلکه از نظرها غایب است. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند نه این‌که ایشان در بین مردم نیست و از وضع مردم بی‌خبر است. این غیبت آن‌قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کنند.

(زبان ۹۷)





- در آیه شریفه ﴿... يُذَيِّنُ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرِقْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾: «پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند، این برای آن که به [عفاف] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است»، حدود حجاب و ثمرات اجتماعی رعایت آن از سوی زنان مطرح شده است. (تغییر جزئی)
- ۷۳ (۴)
- خداوند پس از بیان قرار دادن همسر با هدف رشد و بالندگی فرزندان و بهره‌مندی از روزی‌های پاک، می‌فرماید: ﴿أَقْبِلْ بِطَلِّ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ﴾ و این بخش از آیه به کفران نعمت همسر و آلودگی به گناه (برطرف نکردن نیاز جنسی از راه‌های مشروع) اشاره دارد. اگر فردی از راه‌های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند، اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی‌قراری و ناآرامی او را آزار می‌دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می‌شود. (تغییر کلی)
- ۷۴ (۳)
- در مورد (الف) نماز شکسته است و نباید روزه بگیرد. (تغییر کلی)
- ۷۵ (۴)
- در مورد (ب) اگر شخص مسافر کم‌تر از ده روز در جایی سفر کرده بماند، نمازش شکسته و نباید روزه بگیرد.
- در مورد (ج) و (د) فرد مکلف باید نمازش را کامل و روزه بگیرد؛ زیرا وقتی برای کار حرام سفر کرده باشد، مسافر به حساب نمی‌آید و شخصی که رفت او کم‌تر از ۴ فرسخ باشد نمازش کامل است و روزه نیز باید بگیرد.
- ۷۶ (۱)

زبان انگلیسی

- طبق مطالعه معروفی که توسط روان‌شناسان هولمز و راهه انجام شد، رویدادهای متفاوت زندگی می‌توانند بر مبنای میزان استرسی که احتمالاً ایجاد می‌کنند، درجه‌بندی گردند.
- توضیح:** با توجه به این که در این تست از بند موصولی برای ارائه اطلاعات بیشتر در مورد اسم غیر انسان study (مطالعه) استفاده شده است، در ابتدای بند موصولی به ضمیر موصولی (در این مورد which یا that) نیاز داریم. دقت کنید که فعل conduct ([تحقیق، پژوهش و غیره] انجام دادن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (ضمیر موصولی that که مرجع آن a famous study است) پیش از فعل قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول نیاز داریم.
- ۷۷ (۱)
- سیل زنان جوان به این حراجی که چند هفته پیش از فستیوال‌های آخر سال سازمان‌دهی شد، علاقه آن‌ها را به اجناس لوکس نشان می‌دهد.
- توضیح:** با توجه به این که در این تست، کلمه قرار گرفته در جای خالی در جایگاه فعل جمله است و فاعل آن نیز از یک عبارت تشکیل شده است، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و فعل در زمان حال ساده به s سوم شخص مفرد نیاز خواهد داشت.
- ۷۸ (۲)
- جنوب اقلیم گرم خشکی دارد، ولی شمال اقلیم ملایم‌تر مرطوب‌تری دارد.
- توضیح:** در بین موارد ارائه شده در گزینه‌ها، تنها از but (اما، ولی) می‌توان برای وجود تضاد و مقایسه استفاده کرد.
- ۷۹ (۲)
- A: «آیا می‌توانم ماشینت را برای امروز عصر قرض بگیرم؟»
- B: «البته، ولی نینا الان از آن استفاده می‌کند. اگر آن را سروقت برگرداند، با کمال میل می‌توانید آن را قرض بگیرید.»
- توضیح:** در بند شرط جملات شرطی، کاربرد زمان آینده ساده (will bring) نادرست است ولی از فعل حال ساده (brings) می‌توان در بند شرط جملات شرطی نوع صفر و نوع یک استفاده کرد. دقت کنید که بعد از صفات (مانند welcome در این مورد) فعل به صورت مصدر با to به‌کار می‌رود. (تغییر کلی)
- ۸۰ (۱)
- در بسیاری از کشورهای غربی، فروشگاه‌ها اغلب در روزهای بلافاصله پس از کریسمس، قیمت‌هایشان را تا ۵۰٪ کاهش می‌دهند.
- (۱) تخفیف دادن، [قیمت] کاهش دادن (۲) جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن
- (۳) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن (۴) مانع ... شدن، جلوگیری کردن از
- ۸۱ (۴)
- دانشمندان در حال حاضر نگران حفرة بسیار بزرگی هستند [که] اخیراً در لایه اوزون بالای قطب شمال کشف شده [است].
- (۱) نتیجه‌گیری کردن (۲) افزایش دادن؛ افزایش یافتن (۳) مبادرت کردن به؛ تلاش کردن (۴) کشف کردن؛ پی بردن به
- ۸۲ (۴)
- تماس‌های مکرری با رئیس جمهور انجام شده است تا دیدگاهش را در مورد مسئله مالیات تغییر دهد.
- (۱) جلوگیری، پیشگیری (۲) کارکرد، عملکرد (۳) حس؛ احساس (۴) نظر، عقیده
- ۸۳ (۳)
- به جان گفتم باگفتن این که تمام شرکت‌های خودروسازی چینی اتومبیل‌هایی با کیفیت پایین تولید می‌کنند صرفاً به این دلیل که او با یکی از آن‌ها تجربه بدی داشت، کلی‌گویی نکند.
- (۱) قبول کردن، پذیرفتن (۲) بحث کردن، گفت‌وگو کردن (۳) کلی‌گویی کردن، تعمیم دادن (۴) تأکید کردن بر
- ۸۴ (۱)
- وقتی که دچار تصادف رانندگی‌ای شدیم که مجبورمان کرد پیاده به خانه برویم، تقریباً از کنفرانس به خانه رسیده بودیم.
- (۱) تقریباً، حدوداً (۲) به صورت وحشتناک؛ به شدت (۳) شاید، احتمالاً (۴) اخیراً، به تازگی
- ۸۵ (۲)
- یک ویژگی اتومبیل که مردم اغلب به آن اهمیت می‌دهند [آن] است [که] چه رنگی است، ولی فکر می‌کنم مردم باید بیشتر نگران ایمنی آن باشند.
- (۱) بهبود بخشیدن؛ بهتر شدن (۲) نگران بودن، دلوایس بودن (۳) کار کردن، عمل کردن (۴) اندازه گرفتن، اندازه‌گیری کردن

